

تقدیم به

بزرگ‌ترین انگیزه

و شیرین‌ترین مانع

برای تألیف این کتاب

پسر، لیام

با توجه به اهمیت امتحان نهایی در قبولی دانشگاه، تصمیم گرفتیم کتابی ویژه امتحان نهایی تألیف کنیم که تمامی ابزارهای مورد نیاز دانش‌آموز برای کسب بهترین نمره ممکن را در اختیار او قرار دهد و به معنای واقعی، «فرمول بیست» باشد. در تألیف این کتاب، سعی کردیم پیش‌نیازی برای دانش‌آموز در نظر نگیریم و تمام بخش‌ها را از ساده‌ترین تا پیشرفته‌ترین نکات توضیح دهیم. اکثر سؤالات امتحان نهایی ساده یا متوسط هستند. ولی به منظور ایجاد رقابت و تفکیک دانش‌آموزان، چند سؤال دشوار هم در امتحان طرح می‌شود که جواب دادن به آن‌ها برای کسب رتبه‌های عالی واجب است. مشخص نیست که این چند سؤال دشوار قرار است در کدام بخش و از کدام درس باشند و هر سال هم می‌تواند نسبت به سال قبل متفاوت باشد. بنابراین سعی کردیم در تمام بخش‌های درس، بعد از پوشش کامل نکات ساده و متوسط، آمادگی لازم برای مواجهه با سؤالات خاص را هم در دانش‌آموز ایجاد کنیم.

با توجه به اهمیت کتاب درسی در امتحان نهایی، بخش‌بندی این کتاب بر اساس بخش‌بندی کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، این کتاب به ۳۰ بخش کوچک تقسیم شده است که معلم یا دانش‌آموز می‌تواند متناسب با پیشروی درس در هر جلسه مطالعاتی، هر بار یک یا چند بخش را در برنامه درسی بگنجانند. تمام بخش‌ها با تمرین و آزمون شروع شده‌اند که به دو قسمت «سؤالات و آزمون مستقل این بخش» و «سؤالات و آزمون ترکیبی با قبل» تقسیم شده‌اند. بخش «سؤالات و آزمون مستقل این بخش» برای تمرین قدم به قدم و آزمون آورده شده است. بخش «سؤالات و آزمون ترکیبی با قبل» سه هدف مهم دارد. هدف اول، مرور و آزمون است که اهمیت خیلی زیادی در یادگیری و آزمون دارد. هدف دوم، بهبود کیفیت سؤالات است که با جامع‌تر شدن و آزمون و طرح سؤالات ترکیبی میسر می‌شود. هدف سوم هم پوشش کامل و آزمون است. تعداد لغات بخش‌های مختلف یکسان نیست، ولی به منظور ایجاد نظم در تمرینات کتاب، تعداد سؤالات و آزمون تمام بخش‌ها یکسان آورده شده است. در بخش سؤالات ترکیبی، از بخش‌هایی که لغات بیشتری دارند، سؤالات بیشتری طرح شده تا تمام لغات درس در قالب سؤالات و آزمون تمرین شوند. در بخش‌هایی که مبحثی غیر از و آزمون در آن‌ها مطرح است (درک مطلب، گرامر، مهارت شنیداری و نگارش)، مبحث مربوطه بعد از سؤالات و آزمون آن بخش به‌طور کامل پوشش داده شده است. این بخش‌بندی متناسب با کتاب درسی، موجب سادگی استفاده از این کتاب چه در کلاس درس و چه به صورت خودآموز می‌شود.

در تمرینات بخش‌های مختلف این کتاب سعی کردیم تا حد امکان از و آزمون که فعلاً در کتاب دوازدهم خوانده نشده‌اند استفاده نکنیم. مهم‌تر این‌که، سعی کردیم در صورت سؤالات تا حد امکان از لغات مهم سال‌های قبل که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند استفاده کنیم تا این لغات برای دانش‌آموز مرور شوند. لغات سال‌های قبل پیش‌نیاز دوازدهم محسوب می‌شوند و ممکن است در امتحان، حداقل در صورت سؤالات به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. البته وجود لغات ناآشنا و خارج از کتاب در متن‌های بخش‌های درک مطلب، مهارت شنیداری و نگارش، طبیعی است و دانش‌آموز باید بدون در نظر گرفتن این لغات به سؤالات پاسخ دهد تا تمرین کافی برای درک مفهوم کلی متن داشته باشد. بدون در نظر گرفتن متن‌ها، هر لغتی که در صورت سؤالات، مخصوصاً سؤالات و آزمون به کار رفته، جزو لغات مورد نیاز دانش‌آموز است. لیستی از این لغات پیش‌نیاز در ابتدای کتابچه و آزمون آورده شده است.

سؤالات این کتاب را از لحاظ سطح دشواری سطح‌بندی نکردیم چون معتقدیم که نیمی از چالشی که دانش‌آموز با آن روبه‌روست، تشخیص سؤالات دشوار و نکته‌دار است. در تمام امتحانات و آزمون‌ها، سؤالات چالشی در لابه‌لای سؤالات ساده پنهان می‌شوند و در ظاهر مشابه آن‌ها به نظر می‌رسند. دانش‌آموز باید در پاسخ‌گویی به تمام سؤالات دقت لازم را داشته باشد تا بتواند این سؤالات را تشخیص دهد و زمان و تمرکز بیشتری را صرف آن‌ها کند. اگر سؤالی را تحت عنوان سؤال چالشی یا نکته‌دار مشخص کنیم، امکان تمرین برای کسب این مهارت را از دانش‌آموز دریغ کرده‌ایم. بنابراین پیشنهاد ما این است که سؤالات همه سطوح به صورت درهم‌ریخته جواب داده شوند. ولی اگر به هر دلیلی دانش‌آموزی نیاز به سطح‌بندی نکات و سؤالات گرامر داشته باشد، می‌تواند با استفاده از لیستی که در ابتدای سؤالات هر بخش گرامر آورده شده، سؤالات سطح مورد نیاز خود را پیدا کند.

اعتقاد ما بر این است که آموزش، بدون رفع اشکال، ناقص است. با این دید، بیش از نیمی از زمانی که برای تألیف این کتاب گذاشته شده، صرف نوشتن پاسخ‌های تشریحی جامع شده است. سعی کردیم تمام مشکلات و خطاهای احتمالی را پیش‌بینی کنیم و به‌طور دقیق آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم تا اگر دانش‌آموز در بخشی دچار اشتباه شد، با مراجعه به پاسخ‌های تشریحی، از تکرار آن اشتباه جلوگیری شود. بنابراین پیشروی قدم به قدم با پاسخ‌نامه این کتاب، تسلط کاملی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

موفق و پیروز باشید

ارشاد عظیمی

CONTENTS

LESSON ONE

| | | | | |
|---|--|---|--|--|
| 7 PART 1 Introduction and Get Ready | 9 PART 2 Conversation | 11 PART 3 New Words and Expressions | 13 PART 4 Reading and Reading Comprehension | 22 PART 5 Vocabulary Development |
| 24 PART 6 Grammar | 46 PART 7 Listening and Speaking | 52 PART 8 Writing | 59 PART 9 What You Learned | 61 PART 10 Workbook |

LESSON TWO

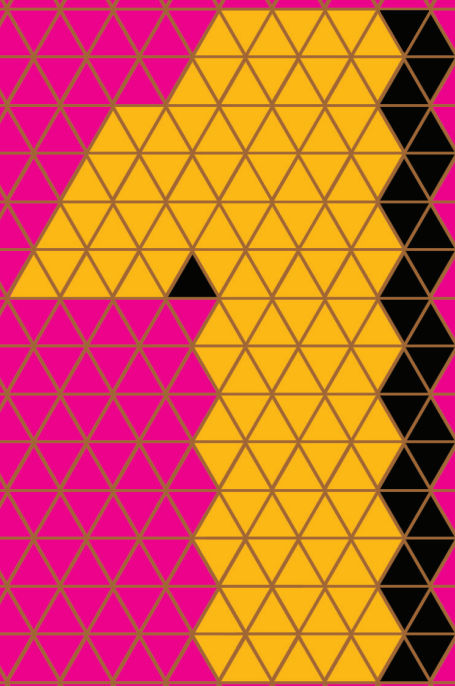
| | | | | |
|--|---|---|--|--|
| 64 PART 1 Introduction and Get Ready | 66 PART 2 Conversation | 68 PART 3 New Words and Expressions | 70 PART 4 Reading and Reading Comprehension | 80 PART 5 Vocabulary Development |
| 82 PART 6 Grammar | 100 PART 7 Listening and Speaking | 105 PART 8 Writing | 110 PART 9 What You Learned | 112 PART 10 Workbook |

LESSON THREE

| | | | | |
|---|---|--|---|---|
| 116 PART 1 Introduction and Get Ready | 118 PART 2 Conversation | 120 PART 3 New Words and Expressions | 122 PART 4 Reading and Reading Comprehension | 131 PART 5 Vocabulary Development |
| 133 PART 6 Grammar | 148 PART 7 Listening and Speaking | 153 PART 8 Writing | 165 PART 9 What You Learned | 167 PART 10 Workbook |

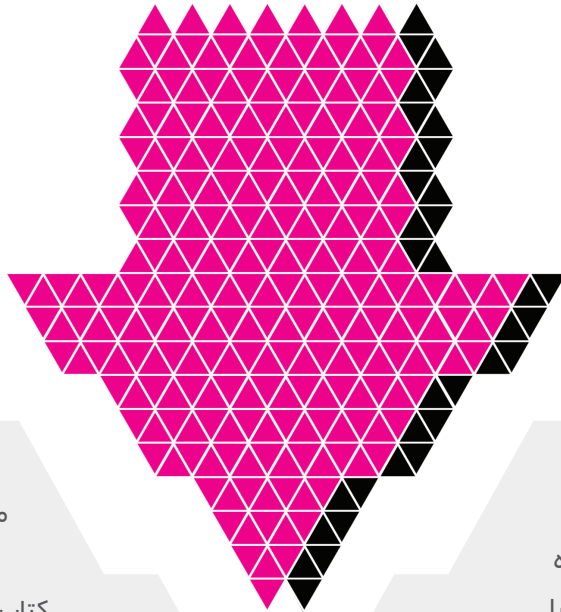
| | | |
|-----------------------|-----------------------------------|------------------------------|
| 169 ANSWERS | 303 WORKBOOK ANSWERS | 315 FINAL EXAMS |
|-----------------------|-----------------------------------|------------------------------|

LESSON



**Sense of
Appreciation**

حتماً بخوانید!



امتحانات نهایی سال‌های قبل

سطح سؤالات

امتحانات نهایی قبل و بعد از
مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی
خیلی متفاوت است. بنابراین در این
کتاب فقط امتحانات نهایی بعد از مصوبه
ملاک قرار داده شده‌اند. با توجه به کم بودن
تعداد این امتحانات نهایی، سؤالات آن‌ها به صورت
درس به درس در این کتاب پخش نشده‌اند و همه آن‌ها
در ضمیمه این کتاب آورده شده‌اند تا بتوانیم از آن‌ها برای
جمع‌بندی آخر سال استفاده کنیم.

گرامر و واژگان سال‌های قبل

نکات گرامری

پیش‌نیاز که با مباحث سال
دوازدهم مرتبط هستند، همراه با
مبحث سال دوازدهم آموزش داده
شده‌اند. مباحث گرامری غیرمرتبط با
دوازدهم هم در امتحان نهایی سال دوازدهم
 مطرح نمی‌شوند. علاوه بر این، تمام لغات هفتم تا
دوازدهم در کتابچه واژگان آورده شده‌اند. بنابراین با
خواندن این کتاب، تمام پیش‌نیازهای گرامری و واژگانی
مورد نیاز برای امتحان نهایی را یاد می‌گیریم.

بخش بندی این کتاب

بخش بندی این کتاب کاملاً متناسب با کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، هر درس به ۱۰ بخش
تقسیم شده است که همه آن‌ها واژگان دارند. در کتابچه واژگان، واژگان هر بخش به طور کامل بررسی شده و در
این کتاب، در ابتدای هر بخش، سؤالات واژگان مربوط به آن آورده شده است. در بخش‌هایی که چیزی به جز واژگان
هم دارند (درک مطلب، گرامر، سؤالات شنیداری و نگارش)، بعد از سؤالات واژگان، درس‌نامه و سؤالات مربوط به آن
بخش آورده شده است.

PART
3

New Words and Expressions

PAGES: 21-23

سؤالات واژگان مستقل این بخش

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



61.



62.



63.



64.

- a. He was hard of hearing, so we had to speak loudly.
- b. She was happy because of her great score.
- c. His father was angry with him because he had broken the window.
- d. I have kept a diary since I learned how to read and write.
- e. She burst into tears when she heard the bad news.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

forgave

repeatedly

calmly

recorded

shouted

- 65. They the names of those who died on a tablet.
- 66. He telephoned, crying and asking her to come back.
- 67. "I want to go now," Danny at the top of his voice.
- 68. I was shocked because she reacted to the bad news.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

| | A |
|-----|--|
| 69. | Young children often have difficulty expressing themselves. |
| 70. | There is only one seat, so you'll have to sit on my lap ! |
| 71. | The vase landed on the floor but didn't break. |
| 72. | They greeted the guests with hugs and kisses. |

| | B |
|----|--|
| a. | the act of putting your arms around someone and holding them |
| b. | the upper part of your legs when you are sitting down |
| c. | to tell or show what you are feeling or thinking |
| d. | to say something in a very loud voice |
| e. | something used to put flowers in or for decoration |

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خطچین‌ها)

- 73. We'll have to be **q** _ _ _ _ so as not to wake the baby.
- 74. A **p** _ _ _ _ _ is a brown or gray bird that often lives in cities.
- 75. As he listened to the music, his eyes filled with **t** _ _ _ **s**.

سؤالات واژگان ترکیبی با قبل

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



76.



77.



78.

76. We _____ the kids and then started to get ready to leave.
77. You can record your _____ or feelings in a diary.
78. He _____ my disease because he was standing close to me.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

elderly

lovely

friendly

suddenly

painfully

79. The little girl was shy and couldn't talk to others.
80. I was sitting in the hotel lobby when she started to talk to me.
81. We should give up our seat to a/an person on the bus.
82. We spent a/an week by the sea this year.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (درستون B یک تعریف اضافی است.)

| | A |
|-----|---|
| 83. | I know what he did was wrong, but don't you think it's time to forgive and forget? |
| 84. | Jenny didn't have the strength to talk to him alone. |
| 85. | He is too young and cannot distinguish between right and wrong. |
| 86. | The movie has subtitles for deaf people and those who are hard of hearing . |

| | B |
|----|---|
| a. | the ability to do things that need a lot of power |
| b. | to not remember facts, information or other things |
| c. | to stop being angry with someone |
| d. | not being able to hear very well |
| e. | to understand the difference between two people or things |

(ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

87. There are that the situation is improving.
a) scores b) pains c) kinds d) signs
88. Nobody knows what will in the future.
a) happen b) burst c) guess d) receive
89. I love her novels because her writing is full of colorful
a) vases b) expressions c) members d) temperatures
90. The actress herself to helping the poor children.
a) dedicated b) felt c) recorded d) lowered

درس نامه بخش اول گرامر

معلوم و مجهول و زمان‌ها

نکات گرامری این کتاب به سه سطح elementary (مقدماتی)، intermediate (متوسط) و advanced (پیشرفته) تقسیم شده‌اند. نکات مقدماتی، اولیه‌ترین نکات هر مبحث هستند که سؤالات ساده امتحان نهایی را پوشش می‌دهند. نکات متوسط برای جواب دادن به سؤالات خاص‌تر امتحان نهایی هستند. نکات پیشرفته هم مخصوص دانش‌آموزانی هستند که حتی در سخت‌ترین حالت ممکن امتحان نهایی، به نمره ۱۹/۷۵ راضی نیستند!

ویدیوی آموزشی

مبحثی که در این بخش با آن آشنا می‌شویم مهم‌ترین مبحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است، چون علاوه بر سؤالات مستقیم خود این مبحث، در سؤالات مباحث دیگر هم می‌توان از آن استفاده کرد. در واقع این مبحث پیش‌نیاز تمام مباحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است. پس باید خوب و با دقت این درس را بخوانیم تا تسلط کامل روی آن داشته باشیم.

elementary

مقدماتی

تعریف معلوم و مجهول

این دو جمله را بخوانید و ببینید چه فرقی با هم دارند:

۱) مریم نامه‌ها را می‌نویسد. ۲) نامه‌ها نوشته می‌شوند.

در جمله اول، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار است (مریم انجام‌دهنده عمل نوشتن است). ولی در جمله دوم، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار نیست، بلکه کار روی آن انجام شده است (عمل نوشتن روی نامه‌ها انجام شده است). در جمله دوم، اسم «نامه‌ها» جای فاعل نشسته است، ولی در واقع فاعل اصلی از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل آورده شده است. به جمله اول «جمله معلوم» و به جمله دوم «جمله مجهول» گفته می‌شود؛ یعنی:

جمله معلوم: جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است و در ابتدای جمله آمده است.

جمله مجهول: جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل نشسته است.

elementary

مقدماتی

ساختن جمله مجهول

در زبان انگلیسی برای ساختن فعل مجهول از ساختار **be + p.p.** استفاده می‌کنیم. برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول باید مراحل را طی کنیم. مثالی را که در اول درس در مورد مریم و نامه‌ها گفتیم در نظر بگیرید. ترجمه انگلیسی جمله اول که به شکل معلوم آمده بود (مریم نامه‌ها را می‌نویسد) این جمله می‌شود:

Maryam writes the letters.

مفعول فعل فاعل

حالا بیایید این جمله را مرحله به مرحله با هم مجهول کنیم تا به جمله دوم (نامه‌ها نوشته می‌شوند) برسیم:

Maryam writes the letters. → The letters writes.

۱) فاعل جمله معلوم را حذف می‌کنیم و مفعول را جای آن می‌نشانیم:

The letters writes. → The letters are written.

۲) فعل جمله را به شکل **be + p.p.** می‌نویسیم:

فعل **be** با توجه به زمان و شخص جمله صرف می‌شود و به یکی از اشکال **am, is, are, was, were, be, being, been** آورده می‌شود. مثلاً زمان این جمله حال ساده است و قبل از **be** اسم جمع **(the letters)** داریم، پس **be** باید در این جمله به شکل **are** آورده شود.

اسم مفعول **(p.p.)** در این فرمول ثابت است و تغییری نمی‌کند. اسم مفعول در مورد افعال با قاعده با اضافه کردن **ed** به انتهای فعل ساخته می‌شود و در مورد افعال بی قاعده، همان شکل سوم فعل است که لیست آن همراه با معنی در انتهای کتابچه واژگان آورده شده است. فعل **write** که در این جمله آمده بی قاعده است و اسم مفعول آن **written** می‌شود.

۳) **اختیاری:** اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. حواسمان باشد که در این حالت همچنان جمله مجهول است، چون فاعل سر جای خودش نیامده و مفعول جای فاعل نشسته است:

The letters are written (by Maryam).

● در مرحله اول تبدیل جمله معلوم به مجهول گفتیم که مفعول را جای فاعل می‌نشانیم. در این مرحله اگر مفعول اسم باشد که تغییری نمی‌کند، ولی اگر مفعول به شکل «ضمیر مفعولی» باشد، باید آن را به «ضمیر فاعلی» تبدیل کنیم، چون جای فاعل نشسته است:

She writes them. → They are written.

ضمیر فاعلی ضمیر مفعولی

● در مرحله سوم گفتیم که اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. در این مرحله اگر فاعل اسم باشد که هیچ، ولی اگر فاعل به شکل «ضمیر فاعلی» باشد، باید آن را به «ضمیر مفعولی» تبدیل کنیم:

She writes them. → They are written by her.

ضمیر فاعلی

ضمیر مفعولی

ترکیب با زمان‌ها

مبحث معلوم و مجهول همیشه با مبحث زمان‌ها ترکیب می‌شود. معمولاً بخش چالشی و پرخطای سؤال، مربوط به انتخاب زمان مناسب است. تمام زمان‌هایی که در کتاب‌های درسی مطرح شده‌اند، در جدول زیر آمده‌اند. باید این جدول را با دقت خیلی زیاد یاد بگیریم تا بتوانیم هر فعلی را به صورت معلوم و مجهول در هر زمانی که جمله به آن نیاز داشته باشد، بسازیم:

| Simple Present | | حال ساده | |
|--------------------|-----------------------------------|--|-----------------------------------|
| معلوم | شکل ساده فعل (سوم شخص مفرد با S) | He <u>writes</u> the book. | او کتاب را <u>می‌نویسد</u> . |
| مجهول | am/is/are + p.p. | The book <u>is written</u> . | کتاب <u>نوشته می‌شود</u> . |
| Simple Past | | گذشته ساده | |
| معلوم | شکل گذشته فعل (با ed یا بی‌قاعده) | He <u>wrote</u> the book. | او کتاب را <u>نوشت</u> . |
| مجهول | was/were + p.p. | The book <u>was written</u> . | کتاب <u>نوشته شد</u> . |
| Present Continuous | | حال استمراری | |
| معلوم | am/is/are + ing | He <u>is writing</u> the book. | او <u>دارد کتاب را می‌نویسد</u> . |
| مجهول | am/is/are + being + p.p. | The book <u>is being written</u> . | کتاب <u>دارد نوشته می‌شود</u> . |
| Past Continuous | | گذشته استمراری | |
| معلوم | was/were + ing | He <u>was writing</u> the book. | او <u>داشت کتاب را می‌نوشت</u> . |
| مجهول | was/were + being + p.p. | The book <u>was being written</u> . | کتاب <u>داشت نوشته می‌شد</u> . |
| Present Perfect | | حال کامل (معادل ماضی نقلی فارسی) | |
| معلوم | have/has + p.p. | He <u>has written</u> the book. | او کتاب را <u>نوشته است</u> . |
| مجهول | have/has + been + p.p. | The book <u>has been written</u> . | کتاب <u>نوشته شده است</u> . |
| Past Perfect | | گذشته کامل (معادل ماضی بعید فارسی) | |
| معلوم | had + p.p. | He <u>had written</u> the book. | او کتاب را <u>نوشته بود</u> . |
| مجهول | had + been + p.p. | The book <u>had been written</u> . | کتاب <u>نوشته شده بود</u> . |
| Simple Future | | آینده ساده | |
| معلوم | فعل ساده + will | He <u>will write</u> the book. | او کتاب را <u>خواهد نوشت</u> . |
| | فعل ساده + be going to | He <u>is going to write</u> the book. | او کتاب را <u>خواهد نوشت</u> . |
| مجهول | will + be + p.p. | The book <u>will be written</u> . | کتاب <u>نوشته خواهد شد</u> . |
| | be going to + be + p.p. | The book <u>is going to be written</u> . | کتاب <u>نوشته خواهد شد</u> . |

● فعلاً زمان گذشته کامل را خوانده‌ایم و قرار است در درس سوم با آن شویم. ولی قبل از این‌که به درس سوم برسیم، در بعضی مباحث لازم است اشاره‌هایی به این زمان داشته باشیم. برای این‌که این جدول کامل باشد و در مباحث بعدی مشکلی نداشته باشیم، زمان گذشته کامل را هم در جدول آورده‌ایم. فعلاً ساختار این زمان را در کنار بقیه زمان‌ها یاد بگیریم. نکات مربوط به کاربرد این زمان مهم را در درس سوم بررسی می‌کنیم.

زمان حال کامل

در درس ۲ یادیم با زمان حال کامل آشنا شدیم. چون این زمان خیلی مهم و پرکاربرد است، باید جداگانه آن را بررسی کنیم. دو نکته مهم را در مورد این زمان باید همیشه در ذهن داشته باشیم:

● نکته اول این‌که باید اسم این زمان را درست بگوییم. معادل فارسی این زمان «ماضی نقلی» است، ولی در انگلیسی به این زمان Present Perfect یعنی «حال کامل» گفته می‌شود؛ یعنی در انگلیسی این زمان حال محسوب می‌شود، نه گذشته. اگر به این زمان بگوییم ماضی نقلی، ممکن است در بعضی سؤالات، زمان جمله را اشتباه انتخاب کنیم.

● نکته دومی که در مورد این زمان مهم است این است که انتخاب آن نباید صرفاً از روی ترجمه انجام شود. در کل، در مورد زمان‌های کامل (حال کامل و گذشته کامل) خیلی وقت‌ها ممکن است مجبور شویم از زمان‌های دیگری در ترجمه استفاده کنیم. پس باید به کاربرد آن‌ها توجه کنیم، نه صرفاً ترجمه فعل جمله. به مثال‌هایی که در ادامه می‌بینیم توجه کنید تا بهتر متوجه غیرترجمه‌ای بودن زمان حال کامل شوید.

کاربرد حال کامل: همان‌طور که گفتیم، باید به جای ترجمه، روی کاربرد زمان حال کامل تمرکز کنیم. این زمان دو کاربرد اصلی دارد. به دو مفهوم این جمله انگلیسی توجه کنید:

۱ اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد
یعنی ده سال پیش شروع به خواندن انگلیسی کرده‌ام و هنوز هم می‌خوانم. در فارسی شاید بهتر باشد از زمان دیگری استفاده کنیم و بگوییم: ده سال است که دارم انگلیسی می‌خوانم. به خاطر همین است که می‌گوییم این زمان غیرترجمه‌ای است.

۲ اشاره به عملی که در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال آن مدنظر است
یعنی در گذشته ده سال انگلیسی خوانده‌ام و دیگر نمی‌خوانم. ولی انگلیسی بلدم. مثلاً این که کسی می‌گوید می‌توانی این جمله را برای من ترجمه کنی؟ من در جواب می‌گویم: بله، من ده سال انگلیسی خوانده‌ام. یعنی روی آثار حال عمل گذشته تأکید دارم که الان انگلیسی بلدم.
● پس به طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تأکید هر دو کاربرد زمان حال کامل روی «حال» است؛ این که یک عمل گذشته، خود آن تا «حال» ادامه دارد یا آثار «حال» آن مدنظر است.

intermediate

متوسط

قیدهای مجاز برای حال کامل

زمان حال کامل معمولاً با قیدهای خاصی همراه می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این قیدها مخصوص حال کامل نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل برویم. حتی since که خیلی وقت‌ها با حال کامل می‌آید، می‌تواند با زمان گذشته کامل (درس ۳ دوازدهم) یا زمان‌های دیگری هم همراه شود. بنابراین ما همیشه باید به مفهومی که این قیدها به جمله می‌دهند، دقت داشته باشیم. مهم‌ترین قیدهایی که می‌توانند با زمان حال کامل به کار بروند در ادامه آورده شده‌اند. در این مثال‌ها به جای قید نسبت به فعل دقت کنید:

| قید | معنی | مثال |
|----------|---------------------|---|
| since | از؛ از وقتی که | I <u>have lived</u> here <u>since</u> I was 10. من از وقتی که ده سالم بود در این جا زندگی کرده‌ام. |
| for | برای، به مدت | I <u>have lived</u> here <u>for</u> 20 years. من به مدت بیست سال در این جا زندگی کرده‌ام. |
| so far | تا به حال، تاکنون | We <u>haven't seen</u> her <u>so far</u> . ما تا به حال او را ندیده‌ایم. |
| lately | اخیراً، این اواخر | I've <u>been very busy</u> <u>lately</u> . من اخیراً سرم خیلی شلوغ بوده است. |
| before | قبلاً | I <u>have read</u> this book <u>before</u> . من قبلاً این کتاب را خوانده‌ام. |
| never | هرگز، هیچ وقت | He <u>has never been</u> to Italy. او هرگز به ایتالیا نرفته است. |
| ever | تا به حال، تاکنون | He <u>hasn't ever been</u> to Italy. او تا به حال به ایتالیا نرفته است. |
| always | همیشه | I <u>have always wanted</u> to go to Italy. من همیشه خواسته‌ام به ایتالیا بروم. |
| just | تازه، همین الان | She <u>has just come</u> back from Italy. او تازه از ایتالیا برگشته است. |
| yet | هنوز | They <u>haven't finished</u> the job <u>yet</u> . آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. They <u>haven't yet finished</u> the job. آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند. |
| recently | اخیراً، این اواخر | He <u>has bought</u> a new car <u>recently</u> . او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. He <u>has recently bought</u> a new car. او اخیراً یک ماشین جدید خریده است. |
| already | قبلاً؛ همین حالا هم | I <u>have booked</u> the tickets <u>already</u> . من قبلاً بلیت‌ها را رزرو کرده‌ام. I <u>have already booked</u> the tickets. من قبلاً بلیت‌ها را رزرو کرده‌ام. |
| still | هنوز | I <u>still haven't finished</u> my homework. (با فعل منفی) من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام. I <u>can still remember</u> their names. (با فعل مثبت) من هنوز می‌توانم اسم آن‌ها را به یاد بیاورم. |

قیدهای غیرمجاز برای حال کامل

مهم تر از قیدهایی که پیش از این توضیح دادیم و گفتیم که «می توانند» با حال کامل بیایند، قیدهایی هستند که «نمی توانند» با حال کامل آورده شوند. قیدهای زمانی مشابه مواردی که در زیر آورده شده اند و صرفاً به زمان به خصوصی در گذشته اشاره دارند، نباید با حال کامل همراه شوند:

| | | | |
|--------------|-------------|--------------------|------------------|
| yesterday | دیروز | two years ago | دو سال پیش |
| in 1987 | در سال ۱۹۸۷ | a long time ago | خیلی وقت پیش |
| last year | پارسال | the other day | چند روز پیش |
| last century | قرن پیش | when I was a child | وقتی که بچه بودم |

نیامدن این قیدهای زمان با حال کامل یک «خط قرمز» است؛ یعنی حتی اگر مفهوم جمله برای حال کامل مناسب باشد، باز هم آمدن این قیدهای زمان باعث می شود که نتوانیم زمان حال کامل را به کار ببریم. مثال زیر را با دقت بخوانید و فعل داخل پرانتز را به شکل صحیح در جای خالی بنویسید:

● The house in 1827, but it is still really strong. (to build)

برای جواب دادن به این سؤال، هم باید معلوم یا مجهول بودن فعل داخل پرانتز را تشخیص بدهیم و هم باید زمان مناسب برای جمله را پیدا کنیم.

تشخیص معلوم یا مجهول: فعل build (ساختن) در این جمله باید به شکل مجهول آورده شود، چون اسمی که قبل از جای خالی آمده (house) مفعول عمل ساختن است، نه این که خانه خودش فاعل ساختن باشد و چیزی را ساخته باشد. پس جواب صحیح باید be + p.p. داشته باشد.

تشخیص زمان: برای انتخاب زمان، اگر بخواهیم صرفاً ترجمه ای عمل کنیم، زمان حال کامل برای این جمله کاملاً مناسب به نظر می رسد، چون در فارسی این جمله را به این شکل می گوئیم: این خانه در سال ۱۸۲۷ «ساخته شده است»، ولی هنوز هم واقعاً محکم است. همان طور که قبلاً گفتیم، برای انتخاب زمان حال کامل، نمی توانیم فقط به ترجمه اتکا کنیم. بیایید مفهوم حال کامل را چک کنیم. از نظر مفهومی هم زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب به نظر می رسد، چون این جمله به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و آثار حال آن مدنظر است. خانه در گذشته ساخته شده و آثار حال آن این است که هنوز هم محکم است. ولی چیزی که همه این استدلال ها را باطل می کند این است که بعد از جای خالی، قید زمان گذشته in 1827 آمده است. همان طور که گفتیم، این قیدهای زمان «خط قرمز» هستند و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارند. با این توضیحات، تنها زمان مناسب برای تکمیل این جمله، زمان گذشته ساده است، آن هم به شکل مجهول. بنابراین جواب این سؤال was built است.

● تنها حالتی که می توانیم این قیدهای زمان را با حال کامل بیاوریم این است که آن ها را با since همراه کنیم. در این حالت مفهوم از گذشته تا حال پیدا می کنند و کاربردشان با حال کامل ایرادی ندارد. به دو مثال زیر توجه کنید که اولی اشتباه و دومی درست است:

✗ I haven't seen him yesterday. من دیروز او را ندیده ام.

✓ I haven't seen him since yesterday. من از دیروز (تا حالا) او را ندیده ام.

پایه گذشته

بعضی وقت ها در ابتدای جمله، چیزی شبیه به پایه آورده می شود که بقیه جمله روی آن استوار است؛ مثلاً در ابتدای جمله گفته می شود I think (فکر می کنم) یا I thought (فکر کردم). در این حالت، اگر پایه به شکل حال باشد (مثل I think)، هیچ تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی گذارد و ادامه جمله ممکن است هر زمانی داشته باشد. ولی اگر این پایه به شکل گذشته باشد (مثل I thought)، در زبان انگلیسی ادامه همان جمله حتماً باید یک جور زمان گذشته داشته باشد. چیزی که خیلی وقت ها ما را به اشتباه می اندازد این است که این نکته در فارسی وجود ندارد و بنابراین، در این حالت معمولاً زمان جملات فارسی و انگلیسی با هم جور در نمی آید. مثلاً در جملات فارسی زیر، بخش اول جمله گذشته است، ولی بخش دوم زمان های مختلفی دارد که همه هم درست هستند:

✓ فکر کردم داری دنبالم می آیی. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

اگر بخواهیم این جملات فارسی را دقیقاً با همین زمان به انگلیسی ترجمه کنیم، این جملات اشتباه ساخته می شوند:

✗ I thought you are following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می آیی.

✗ He said he will come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.

✗ I heard he has passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

برای اصلاح این جملات انگلیسی، باید نکته «پایه گذشته» را رعایت کنیم و در ادامه این پایه، از افعال گذشته استفاده کنیم. بنابراین باید به جای will, are و has، شکل گذشته آن ها، یعنی were, would, had را بیاوریم:

✓ I thought you were following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می آیی.

✓ He said he would come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.

✓ I heard he had passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

- حواسمان باشد که زمان حال کامل هم حال است و نمی‌تواند بعد از پایه گذشته بیاید. اگر اسم این زمان را ماضی نقلی بگوییم، ممکن است به اشتباه آن را گذشته در نظر بگیریم و فکر کنیم که آمدن آن بعد از پایه گذشته مشکلی ایجاد نمی‌کند.
- شاید بعضی وقت‌ها در انگلیسی محاوره‌ای ببینیم که نکته «پایه گذشته» رعایت نشده است. رعایت نشدن این نکته جزو اشتباهات محاوره‌ای است که در هر زبانی وجود دارد. موقع جواب دادن به سؤالات گرامر یا نوشتن یک متن رسمی، حتماً باید نکات گرامری را رعایت کنیم.

advanced

افعالی که مجهول نمی‌شوند

پیشرفته

لازمه مجهول کردن جمله، متعدی بودن فعل و داشتن مفعول است. بنابراین فعلی که متعدی نباشد نمی‌تواند مجهول شود، چون مفعولی ندارد که جای فاعل بنشیند! بعضی از افعال می‌توانند هم متعدی و هم لازم باشند؛ مثل increase (افزایش دادن/ یافتن). این افعال می‌توانند در معنی متعدی خود مجهول شوند. ولی افعالی که فقط لازم هستند، هیچ وقت نمی‌توانند مجهول شوند. مهم‌ترین افعال مجهول نشدنی کتاب دوازدهم در زیر آورده شده‌اند:

| | | | | | |
|-----------|------------------------|------------|------------------------|-----------|-------------------|
| arrive | رسیدن | last | دوام آوردن؛ طول کشیدن | seem | به نظر رسیدن |
| appear | ظاهر شدن؛ به نظر رسیدن | cost | هزینه داشتن | sound | به نظر رسیدن |
| disappear | ناپدید شدن | consist of | متشکل بودن از | succeed | موفق شدن |
| happen | اتفاق افتادن | grow up | بزرگ شدن | sleep | خوابیدن |
| exist | وجود داشتن | die | مردن | cooperate | همکاری کردن |
| belong | متعلق بودن | lie | دراز کشیدن؛ قرار داشتن | flock | جمع شدن، گرد آمدن |

advanced

افعالی که دو جور مجهول می‌شوند

پیشرفته

بعضی از افعال در زبان انگلیسی دومفعولی هستند، که البته ما در فارسی معمولاً یکی از این دو را متمم در نظر می‌گیریم. افعال دومفعولی مفهوم «منتقل کردن چیزی به کسی» را دارند. در این حالت، هم آن «چیزی» که منتقل می‌شود و هم «گیرنده» مفعول محسوب می‌شوند. هر کدام از این مفعول‌ها می‌توانند جای فاعل بیایند و جمله را مجهول کنند. تفاوت خاصی بین این دو حالت مجهول وجود ندارد و در انگلیسی فقط کمی تفاوت تأکیدی دارند. به عنوان مثال، به کاربرد افعال دومفعولی give و tell در جملات زیر توجه کنید:

I gave Ali a book, or, I gave a book to Ali.

→ Ali was given a book.

→ A book was given to Ali.

I told her the news, or, I told the news to her.

→ She was told the news.

→ The news was told to her.

جمله معلوم: من یک کتاب به علی دادم.

جمله مجهول اول: به علی یک کتاب داده شد.

جمله مجهول دوم: یک کتاب به علی داده شد.

جمله معلوم: من خبر را به او گفتم.

جمله مجهول اول: به او آن خبر گفته شد.

جمله مجهول دوم: آن خبر به او گفته شد.

advanced

with یا by

پیشرفته

در اوایل درس در بخش «ساختن جمله مجهول» گفتیم که اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با by بعد از فعل مجهول بنویسیم. بعضی وقت‌ها به جای by از حرف اضافه with استفاده می‌شود که از نظر مفهومی تفاوت دارد. همراه با by، فاعل حذف شده، یعنی انجام‌دهنده کار را می‌آوریم، ولی همراه با with، وسیله انجام کار آورده می‌شود؛ یعنی وسیله‌ای که کسی با استفاده از آن، کار را انجام داده است. در فارسی ممکن است هر کدام از این دو حرف اضافه را «با، به وسیله، توسط» معنی کنیم. پس طبق معمول، به جای این‌که صرفاً به ترجمه اتکا کنیم، باید مفهوم جمله را در نظر بگیریم و ببینیم که به «انجام‌دهنده کار» اشاره شده یا به «وسیله انجام کار». به این مثال‌ها توجه کنید:

The window was broken by a boy.

پنجره توسط یک پسر شکسته شد. (پسر انجام‌دهنده کار است.)

The window was broken with a stone.

پنجره توسط یک سنگ شکسته شد. (سنگ وسیله انجام کار است.)

● نکته‌ای که مهم است این است که کاری با انسان یا غیرانسان بودن اسمی که بعد از by یا with می‌آید نداریم، چون خیلی وقت‌ها ممکن است انجام‌دهنده کار، غیرانسان باشد. تنها چیزی که مهم است این است که داریم به «انجام‌دهنده کار» اشاره می‌کنیم یا به «وسیله انجام کار». مثلاً در جمله زیر، زلزله انجام‌دهنده عمل ویران کردن است، نه این‌که کسی به وسیله زلزله خانه را ویران کرده باشد! بنابراین زلزله را با by می‌آوریم:

The house was destroyed by the earthquake.

خانه توسط زلزله ویران شد. (زلزله انجام‌دهنده کار است.)

سؤالات بخش اول گرامر

سؤالات گرامر هم متناسب با درس نامه گرامر به سه سطح elementary (مقدماتی)، intermediate (متوسط) و advanced (پیشرفته) تقسیم شده‌اند. این سطح بندی در کنار خود سؤالات علامت زده نشده تا قبل از خواندن سؤال، سطح دشواری آن لو نرود و در صورت تمایل بتوانید همه سؤالات را به صورت درهم ریخته جواب بدهید، چون در هیچ امتحانی سؤالات ساده و دشوار مشخص و تفکیک نمی شوند! ولی اگر همه نکات درس نامه گرامر را نخوانده‌اید و فقط تا سطح خاصی پیش رفته‌اید، یا به هر دلیلی نیاز به سطح بندی سؤالات دارید، می‌توانید با استفاده از جدول زیر، سؤالات سطح مورد نظر خود را پیدا کنید.

| | |
|--------------|--|
| elementary | ۶۰ سؤالی که در دو دسته بعدی قرار ندارند |
| intermediate | 248, 250, 254, 260, 262, 263, 264, 265, 275, 280, 297, 300, 304, 305, 312, 314, 316, 317, 320, 323, 324, 325, 326, 328, 329, 331, 333, 334, 335, 336 |
| advanced | 244, 251, 259, 269, 277, 283, 289, 290, 295, 307 |

الف) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

241. We to dinner last Monday night, and we had a good time.
 a) have invited b) were inviting c) were invited d) have been invited
242. A new hospital near the airport next year.
 a) is going to build b) has been built c) is going to be built d) will build
243. This stone bridge two times over the last three years.
 a) has repaired b) has been repaired c) is repaired d) is being repaired
244. A: "I'm going to call them and ask them to send me the new catalog."
 B: "You don't need to call them. I have the new catalog. It last week."
 a) was arrived b) has arrived c) arrived d) has been arrived
245. I can't lend you my camera. It this week.
 a) is being repaired b) is repairing c) will repair d) has repaired
246. Today there are more than 1000 languages. Some by many millions of people, others by only a few thousand.
 a) are spoken b) be spoken c) were spoken d) spoken
247. There were some problems at first, but it seems that all of them
 a) have solved b) has been solved c) was solved d) have been solved
248. This college in 1793 by some rich families who wanted to improve the quality of education in their hometown.
 a) was found b) was founded c) has been found d) has been founded
249. It for a long time that there is no life on the Moon.
 a) has thought b) is thought c) has been thought d) thinks
250. The windows of the building in a storm a few days ago.
 a) was broken b) broke c) have been broken d) were broken
251. We someone else since you couldn't answer the question.
 a) asked b) have been asked c) have asked d) were asked

- 252. It's a big company. Five hundred people there.**
 a) are employed b) is employed c) employs d) being employed
- 253. I couldn't type the letter because the computer just when I needed it.**
 a) was using b) was used c) was being used d) has used
- 254. I didn't know that our conversation**
 a) was recording b) is being recorded c) was being recorded d) will be recorded
- 255. Many types of cancer by dietary factors.**
 a) have been causing b) is caused c) are causing d) are caused
- 256. Do you know that Maria as a computer programmer of the company?**
 a) was inviting b) will be inviting c) has been invited d) is inviting
- 257. The word "stupid" was in my report, but it to you.**
 a) hasn't referred b) didn't refer c) isn't referred d) wasn't referred
- 258. Many apartments for the poor employees during the last five years.**
 a) are built b) were building c) have built d) have been built
- 259. The collection of stories written by that author by a famous publication.**
 a) will be published b) are going to be published
 c) have been published d) are published
- 260. While you are inside the house, it much different to any other large, old house.**
 a) isn't felt b) hasn't felt c) hasn't been felt d) doesn't feel
- 261. Today, a large number of people to take part in the Olympic Games.**
 a) allow b) are allowed c) have allowed d) has been allowed
- 262. What I didn't like about the hotel was that it when we stayed there.**
 a) still was being painted b) was still being painted c) has still been painted d) still hasn't painted
- 263. A: "I think I my pen when I was getting off the bus."
 B: "Don't worry. You can buy a new one here."
 a) was lost b) lost c) was losing d) have lost**
- 264. He said he to sit silently while they were talking on the phone.**
 a) asked b) was asked c) has been asked d) was asking
- 265. He will be surprised to hear that the house just two years ago.**
 a) was built b) built c) has built d) has been built
- 266. The teacher is angry because only one of the questions correctly.**
 a) has been answered b) are answered c) were answered d) has answered
- 267. I'm afraid I the English homework. Would you give me some more time?**
 a) haven't finished b) wasn't finishing c) haven't been finished d) wasn't finished
- 268. Over five thousand people since the war began.**
 a) were killing b) were being killed c) have killed d) have been killed
- 269. My father let me play with John because he to be a very polite boy.**
 a) has believed b) has been believed c) believed d) was believed

- 270. He says some employees a lot of money for doing very little.**
 a) are paying b) have paid c) are being paid d) pay
- 271. I didn't see the original document, but I a copy.**
 a) will show b) was shown c) have shown d) am shown
- 272. The cake was taken upstairs and by the children.**
 a) eaten b) has eaten c) be eaten d) is eaten
- 273. In many countries, this ceremony every four years.**
 a) is held b) has held c) was being held d) holds
- 274. He right by me without saying hello or even noticing I was there.**
 a) was walked b) is walked c) walks d) walked
- 275. It was past midnight and no one was in the street. But as I was walking home, I felt I in the dark.**
 a) was following b) was being followed c) have been followed d) am being followed
- 276. The park since last weekend because a film is being shot there.**
 a) is closed b) has closed c) closed d) has been closed
- 277. A neighbor of mine six months ago. He has not been seen since then.**
 a) has disappeared b) has been disappeared c) disappeared d) was disappeared
- 278. These tennis courts very often. Not many people want to play.**
 a) haven't used b) didn't use c) wasn't used d) aren't used
- 279. I used to have a bicycle, but it and now I have to take the bus every day.**
 a) is stolen b) was stolen c) was stealing d) has stolen
- 280. The police for a missing boy who is believed to be wearing a white sweater and blue jeans.**
 a) are looking b) have been looked c) is looking d) has looked
- 281. It that the building has been badly damaged by the fire.**
 a) has reported b) was reporting c) is reporting d) is reported
- 282. If you aren't careful what you're doing with that hammer, someone in a minute.**
 a) will hurt b) will be hurt c) is hurt d) has been hurt
- 283. Before you buy the car, you should know when**
 a) was it produced b) did it produce c) has it been produced d) it was produced
- 284. I hope he to our cousins' house before I leave so I can hear some interesting stories.**
 a) got b) will get c) is got d) will be got
- 285. Machines to do many different difficult jobs nowadays.**
 a) are used b) have used c) have been used d) used
- 286. A movie which is about the lives of two great scientists in Hollywood right now.**
 a) are making b) are being made c) is made d) is being made
- 287. The teacher said, "Some books for the students who want to know more about this subject soon."**
 a) provide b) would provide c) will be provided d) were provided
- 288. Adam in the company for 30 years, and he doesn't like it when he is given orders by newcomers.**
 a) has worked b) has been worked c) worked d) was worked

289. The man who lived next door a knife.

- a) killed by b) killed with c) was killed by d) was killed with

290. He that they lived in a big city far from his small town.

- a) told b) was told c) has told d) tells

ب) شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

291. The company is quite old. It in 1935. (to found)

292. About 300 new books for the library since last year. (to buy)

293. He abroad to work in a bank, but he hated it. (to send)

294. She phoned the police and being attacked outside her home. (to report)

295. A few minutes after the accident, the injured man by air ambulance to the nearest hospital. (to fly)

296. I never found the book I was looking for. I think it when we moved to our new house. (to lose)

297. Is the novel at the moment, or can I read it? (to read)

298. Nobody was hurt in the accident, so the ambulance (not to call)

299. Peter to sing for many years. I think we can call him a professional singer now. (to teach)

300. The room looks different. something new ? (to add)

301. No one knows the exact address, but he to be somewhere in Russia. (to think)

302. You the questions a few minutes before the next exam starts. (to give)

303. The Eiffel Tower by the French engineer, Alexander-Gustave Eiffel. (to build)

304. You should go to the police station because the police the man who stole your car. He is being questioned at the moment. (to catch)

305. Has the museum by many students who are about my age? (to visit)

306. A photograph of me and my classmates at the end of each course since we started university. (to take)

307. The farmers took the women to hospital when they lost in the forest. (to find)

308. The children's rooms right now as we speak. (to paint)

309. Baseball all over the world these days. (not to play)

310. I don't know why we haven't received the package yet. It over a week ago. (to post)

311. The first rugs by hand, and the finest ones are still handmade. (to make)

312. We had to leave the house when one of the rooms fire. (to catch)

313. All the cake by the students, so the teacher didn't get any. (to eat)

314. Will the books next year, or can I give them to my cousin? (to need)

315. Alex as one of the most hard-working students in our school, and all of the teachers like her very much. (to regard)

316. Unfortunately, the missing climbers yet. (to find)

317. When I left this city, the old cinema Have they finished it? (to repair)

318. Hamid is not very good at chess, so I think I easily. (to win)

319. Heart attack to be one of the results of eating fatty foods. (to believe)

320. I'm proud of my daughter because she to play for the national team. (to choose)

پ) با هر گروه از کلمات به هم ریخته زیر، یک جمله مناسب بنویسید.

321. has / letter / before / typed / been / the / . /
322. on / the game / by / played / each team / is / six players / . /
323. already / our / corrected / been / papers / have / . /
324. forgotten / name / be / his / never / will / . /
325. older people / by / the library / used / is / many / ? /
326. music / this / I / always / kind of / liked / have / . /
327. is / by / the carpet / woven / girls / being / young / two / . /
328. just / to Shiraz / come back / has / from / a business trip / she / . /
329. he / to Persian / recently / a book / has / English / translated / from / . /
330. was / by / because / I / the police / was / too fast / stopped / driving / I / . /
331. students / year / next / will / number / the / increase / of / ? /
332. high school / I / since / played / have / I / started / Ping-Pong / . /
333. the classroom / class / for / arriving / cleaned / when / being / the students / was / started / . /
334. yet / had / movie / to watch / I / time / haven't / this / . /
335. ever / opinion / have / for / been / you / your / asked / ? /
336. his problem / hasn't / he / his doctor / about / talked to / still / . /

ت) با توجه به تصاویر سؤال داده شده، به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

337. What is done by the young boy every week?

His grandparents



338. What was done by the little boy yesterday?

The window



339. What has been done by Sara for ten years?

English



340. What hasn't been done by Maryam since last week?

The room



- 58 **d**: خانه کوچکی است، ولی باغچه‌اش به‌طور تعجب‌آوری بزرگ است.
معنی گزینه‌ها - a. تعجب؛ متعجب کردن b. متعجب c. تعجب‌آور d. به‌طور تعجب‌آوری، با کمال تعجب
 مطمئن‌ترین راه برای انتخاب بین صفت و قید این است که ببینیم کلمه مورد نظر چه چیزی را وصف می‌کند. کار صفت، وصف اسم یا ضمیر است، ولی کار قید، وصف هر چیزی به‌جز اسم یا ضمیر است؛ یعنی قید می‌تواند فعل، صفت، یک قید دیگر، یا حتی کل جمله را وصف کند. کلمه‌ای که در جای خالی می‌آید صفت large را وصف می‌کند (به‌طور تعجب‌آوری بزرگ)، پس باید در جای خالی از قید استفاده کنیم.
- 59 **b**: اگر می‌خواهی دانش خود را در مورد آن زبان افزایش بدهی، باید بروی و در فرانسه زندگی کنی.
معنی گزینه‌ها - a. مدرک، دیپلم b. دانش c. مایه تأسف، حیف d. فشار
- 60 **a**: بعد از تمام کردن دانشگاه، او به خارج از کشور رفت.
معنی گزینه‌ها - a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
 اگر بخواهیم این جمله را با homeland بنویسیم، باید قبل از جای خالی، حرف اضافه و صفت ملکی بیاوریم: ... he went to his homeland.
- 61 **b**: او به خاطر نمره عالی‌اش خوشحال بود.
d: من از وقتی که یاد گرفتم چطور بخوانم و بنویسم، خاطراتم را نوشته‌ام.
c: پدرش از دست او عصبانی بود چون او پنجره را شکسته بود.
e: وقتی که آن خبر بد را شنید، زد زیر گریه.
- 65 **recorded**: اسامی آن‌هایی که فوت شده بودند را روی یک لوح ثبت کردند.
repeatedly: او مکرراً تماس می‌گرفت، گریه می‌کرد و از او می‌خواست که برگردد.
shouted: دنی با نهایت صدایش (تا جایی که می‌توانست بلند) فریاد زد و گفت: «من می‌خواهم الان بروم.»
calmly: من شوکه شدم چون او با خونسردی به آن خبر بد واکنش نشان داد.
- 69 **c**: بچه‌های کوچک معمولاً در ابراز کردن خود مشکل دارند. (گفتن یا نشان دادن آن‌چه احساس یا فکر می‌کنید) تعریفی که در d آمده (گفتن چیزی با صدای خیلی بلند) در واقع تعریف کلمه shout (فریاد زدن، داد زدن) است.
b: فقط یک صندلی وجود دارد، بنابراین شما مجبورید بغل من (روی پای من) بنشینید! (قسمت بالایی پای شما وقتی که نشسته‌اید)
e: گلدان بر روی زمین فرود آمد (افتاد) ولی نشکست. (چیزی که برای قرار دادن گل در آن یا برای تزئین استفاده می‌شود)
a: آن‌ها به مهمانان با آغوش و بوسه خوش آمد می‌گفتند. (عملی قرار دادن دست‌هایتان دور کسی و نگه داشتن آن‌ها)
quiet: ما مجبوریم ساکت باشیم تا این‌که بچه را بیدار نکنیم.
pigeon: کبوتر، پرندای قهوه‌ای یا طوسی است که اغلب در شهرها زندگی می‌کند.
tears: وقتی که به آن موسیقی گوش می‌کرد، چشمانش پر از اشک شد.
fed: ما به بچه‌ها غذا دادیم و سپس شروع کردیم به آماده شدن برای رفتن.
thoughts: می‌توانید افکار یا احساسات خود را در دفتر خاطرات یادداشت کنید.
caught: او بیماری من را گرفت چون نزدیک من ایستاده بود.
painfully: آن دختر بچه به‌طور آزاردهنده‌ای (به شدت) خجالتی بود و نمی‌توانست با دیگران صحبت کند.
suddenly: من در لابی هتل نشسته بودم وقتی که ناگهان او شروع کرد به صحبت کردن با من.
 اگر احساس می‌کنید کلمه friendly هم برای تکمیل این جمله مناسب است، توضیح سؤال آخر این بخش را بخوانید.
elderly: ما باید در اتوبوس صندلی‌مان را به یک فرد سالمند بدهیم.
lovely: ما امسال یک هفته دوست‌داشتنی را در کنار دریا گذرانیم.
- دقت داشته باشیم که هر کلمه‌ای که آخرش یا- داشته باشد قید نیست. کلمات elderly (پیر، سالمند)، lovely (دوست‌داشتنی) و friendly (مهربان، با محبت؛ دوستانه، صمیمانه) هر سه صفت هستند. انتخاب بین صفت و قید مهم است و باید بتوانیم این دو را از هم تفکیک کنیم. همان‌طور که قبلاً گفتیم، کار صفت، وصف اسم یا ضمیر است، ولی کار قید، وصف هر چیزی به‌جز اسم یا ضمیر است؛ یعنی قید می‌تواند فعل، صفت، یک قید دیگر، یا حتی کل جمله را وصف کند. در دو سؤال اول این بخش باید قید بیاوریم، چون در این جملات، جاهای خالی به ترتیب صفت shy (خجالتی) و فعل start را وصف می‌کنند. ولی در دو سؤال آخر این بخش به صفت نیاز داریم، چون در این جملات، جاهای خالی به ترتیب اسم‌های person و week را وصف می‌کنند.
- 83 **c**: می‌دانم کاری که او کرد اشتباه بود، ولی فکر نمی‌کنی وقتش رسیده که ببخشی و فراموش کنی؟ (عصبانی بودن از دست کسی را متوقف کردن)
 تعریفی که در b آمده (به یاد داشتن حقایق، اطلاعات یا چیزهای دیگر) در واقع تعریف کلمه forget (فراموش کردن) است. حواسمان باشد که کدام کلمه در صورت سؤال مشخص شده و تعریف آن خواسته شده است.

- 84 **a:** جنی توان آن را نداشت که تنها با او صحبت کند. (توانایی انجام دادن کارهایی که به قدرت زیادی نیاز دارند)
- 85 **e:** او زیادی کم سن است و نمی‌تواند بین درست و غلط تمایز قائل شود. (فهمیدن تفاوت بین دو نفر یا دو چیز)
- 86 **d:** آن فیلم برای افراد ناشنوا و آن‌هایی که کم‌شنوا هستند زیرنویس دارد. (قادر نبودن به خیلی خوب شنیدن)
- 87 **d:** نشانه‌هایی وجود دارد که وضعیت دارد بهتر می‌شود.
معنی گزینه‌ها: a. نمره؛ امتیاز b. درد؛ رنج c. نوع، گونه d. نشانه، علامت؛ تابلو
- 88 **a:** هیچ‌کس نمی‌داند که در آینده چه چیزی اتفاق خواهد افتاد.
معنی گزینه‌ها: a. اتفاق افتادن b. منفجر کردن / شدن، ترکاندن، ترکیدن c. حدس زدن d. دریافت کردن
- 89 **b:** من عاشق رمان‌های او هستم چون نوشتار او پُر از اصطلاحات رنگارنگ (متنوع) است.
معنی گزینه‌ها: a. گلدان b. اصطلاح، عبارت؛ بیان، ابراز c. عضو d. دما؛ تب
- 90 **a:** آن هنرپیشه خودش را وقف کمک کردن به کودکان فقیر کرد.
معنی گزینه‌ها: a. وقف کردن؛ اختصاص دادن b. احساس کردن c. ثبت کردن، ضبط کردن، یادداشت کردن d. پایین آوردن، کاهش دادن
- 91 **b:** من درک واضحی از این‌که این دستگاه چطور کار می‌کند ندارم.
- 92 **e:** من برای چک کردن معنی آن اصطلاح از یک کتاب مرجع استفاده کردم.
- 93 **c:** ما باید از والدین‌مان مراقبت کنیم وقتی که آن‌ها پیر یا بیمار می‌شوند.
- 94 **a:** معلم یک سؤال پرسید و من اولین نفری بودم که جواب دادم.
- 95 **provide:** هتل حمل و نقل از فرودگاه را فراهم خواهد کرد.
- 96 **generated:** فیلم آخر او علاقه زیادی (در مخاطبان) ایجاد کرده است.
- 97 **kept:** من به امیدوار بودن به این‌که او با من تماس می‌گیرد ادامه می‌دادم. (مدام امیدوار بودم که او با من تماس می‌گیرد).
- 98 **describe:** کلمات نمی‌توانند احساس ما در آن لحظه را وصف کنند.
- 99 **c:** او به کیفیت علاقه‌ای ندارد. تنها چیزی که او به آن اهمیت می‌دهد پول درآوردن است. (استاندارد بالا، این‌که چیزی چقدر خوب یا بد است)
- 100 **a:** یکی از دلایل اصلی این‌که من به انگلیس آمدم، مطالعه زبان آن بود. (بزرگ‌تر یا مهم‌تر از بقیه مواردی که از همان نوع هستند)
- 101 **e:** لباس مردم اغلب جلوه‌ای از شخصیت آن‌هاست. (نوع شخصی که شما هستید، که توسط شیوه رفتار و تفکر شما نشان داده می‌شود)
- 102 **b:** آن نقاش می‌گفت که نقاشی کردن تنها وسیله او برای ابراز خود است. (سبک یا شیوه انجام کاری)
 تعریفی که در d آمده (ایده‌ای که یک فرد می‌خواهد از طریق استفاده از کلمات آن را بیان کند) در واقع تعریف فعل mean (معنی داشتن، منظور داشتن) است، ولی در این جمله از اسم means (وسیله، راه، روش) استفاده شده است.
- 103 **common:** اسم «اسمیت» در انگلیس خیلی رایج است.
- 104 **description:** من نتوانستم توصیفی از آن مرد ارائه کنم چون هوا بیش از حد تاریک بود.
- 105 **possibility:** ما نمی‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد. ما باید برای هر احتمالی آماده باشیم.
- 106 **step:** او روی پله جلوی خانه نشسته بود.
- 107 **bought:** من چندین کتاب عالی از آن کتابفروشی خریدم.
- 108 **burst:** وقتی که داشتم از پله‌ها بالا می‌رفتم، کیسه ترکید و سیب‌ها بیرون افتادند.
- 109 **ever:** تا به حال سعی کرده‌ای که با او در مورد چیزهایی که برایت مهم هستند صحبت کنی؟
- 110 **loudly:** وقتی که داشت آن خبر را به آن‌ها می‌گفت، بلندتر از حد معمول صحبت می‌کرد و من می‌توانستم همه چیز را بشنوم.
 همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، بین دو قید loudly و aloud تفاوت مفهومی وجود دارد. قید loudly به معنی بالا بودن شدت صدا است، ولی قید aloud به معنی با صدا و برعکس در دل است. علاوه بر این، نکته دیگری که در این سؤال به راحتی ما را به جواب می‌رساند این است که aloud نمی‌تواند به شکل تفضیلی و عالی بیاید. آمدن more قبل از جای خالی باعث می‌شود loudly را انتخاب کنیم.
- 111 **same:** الکس و برایان همدیگر را خیلی خوب می‌شناسند چون آن‌ها به مدرسه یکسانی رفته‌اند.
- 112 **helpful:** برای اعضای خانواده مفید است که درکی از آن بیماری داشته باشند.
- 113 **d:** نگار و نسرین یک زمانی دوستان خیلی نزدیکی بودند. (در زمانی در گذشته)
 کلمه once می‌تواند به معنی «یک بار، یک دفعه» یا به معنی «یک زمانی، قبلاً» باشد. این دو معنی به ترتیب در تعریف‌های a و d آورده شده‌اند. پس باید توجه کنیم که این کلمه در این جمله کدام معنی را دارد. کلمه once یک معنی مهم دیگر هم دارد که در بخش reading درس دوم با آن آشنا می‌شویم.

238: b: من به راستی معتقدم که آن چه او می‌گوید اشتباه است.

معنی گزینه‌ها - a: با مهربانی، عاشقانه b: به راستی، به درستی، به تحقیق c: به طور شفاهی d: بلند، با صدای بلند

239: d: کاملاً طبیعی است که شما باید نگران فرزندان‌تان باشید.

معنی گزینه‌ها - a: (مربوط به) پزشکی، درمانی b: واقعی c: احساساتی، عاطفی d: طبیعی

240: c: شش نفر در آن تصادف جان باختند، از جمله یک افسر پلیس.

معنی گزینه‌ها - a: معنی، مفهوم b: احساس، احساسات c: از جمله، شامل d: در طول، در حین

241: c: ما دوشنبه گذشته به شام دعوت شدیم و بهمان خوش گذشت.

کلمه قبل از جای خالی (ما) مفعول جای خالی (دعوت کردن) است. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که ما فلان کس را به شام «دعوت کردیم». بنابراین این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. بین گزینه‌های c و d که $be + p.p$ دارند و مجهول هستند، گزینه c از نظر زمانی مناسب است، چون این جمله ارتباطی با حال ندارد و فقط یک اتفاق گذشته را گزارش می‌کند. برای حذف گزینه d می‌توانیم از قید زمان last Monday هم استفاده کنیم، چون زمان حال کامل نمی‌تواند با این قید زمان گذشته همراه شود.

242: c: یک بیمارستان جدید در سال آینده در نزدیکی فرودگاه ساخته خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (بیمارستان) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). قید زمان آینده next year نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم.

243: b: این پل سنگی در طول سه سال گذشته دو بار تعمیر شده است.

کلمه قبل از جای خالی (پل) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت over the last three years (در طول سه سال گذشته) برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده یا حال استمراری.

244: c: الف: «قصدم به آن‌ها زنگ بزنگم و ازشان بخواهم که کاتالوگ جدید را برایم بفرستند.»

b: «نیازی نیست به آن‌ها زنگ بزنی. من کاتالوگ جدید را دارم. هفته پیش رسید.»

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به کاتالوگ اشاره دارد) فاعل جای خالی (رسیدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b و c). دقت داشته باشیم که arrive به معنی «رسیدن» است، نه «رساندن». این کلمه در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. در درس نامه گرامر، در بخش «افعالی که مجهول نمی‌شوند» به این فعل اشاره کرده‌ایم. قید زمان گذشته last week نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

245: a: نمی‌توانم دوربینم را به تو قرض بدهم. این هفته در حال تعمیر شدن است.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به دوربین اشاره دارد) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که $be + p.p$ دارد و مجهول است، گزینه a است.

246: a: امروزه بیش از هزار زبان وجود دارد. بعضی توسط میلیون‌ها نفر صحبت می‌شوند، بقیه توسط فقط چند هزار نفر.

کلمه قبل از جای خالی (بعضی، که به زبان‌ها اشاره دارد) مفعول جای خالی (صحبت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). در گزینه b فعل be به شکل ساده باقی مانده و صرف نشده است. این اتفاق فقط زمانی می‌افتد که ساده مانند be موجه باشد؛ مثلاً این که بعد از will آمده باشد تا مجهول آینده بسازد. در غیر این صورت، فعل be باید طبق زمان و شخص جمله صرف شود. قید زمان today نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

247: d: تعدادی مشکل در ابتدا وجود داشت، ولی به نظر می‌رسد که همه آن‌ها حل شده‌اند.

عبارت قبل از جای خالی (همه آن‌ها، که به مشکلات اشاره دارد) مفعول جای خالی (حل کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). بین این گزینه‌ها تفاوت «شخص» وجود دارد که خیلی مهم‌تر از تفاوت «زمان» است. وقتی می‌بینیم که گزینه‌ها از نظر مفرد و جمع بودن با هم فرق دارند، باید همین مورد را چک کنیم و دیگر نباید درگیر چک کردن زمان شویم. عبارت «همه آن‌ها» جمع است، پس نمی‌توانیم از افعال مفرد was و has در جای خالی استفاده کنیم.

248: b: این کالج در سال ۱۷۹۳ توسط تعدادی خانواده پولدار که می‌خواستند کیفیت آموزش را در زادگاهشان بهبود ببخشند، تأسیس شد.

همه گزینه‌های این سؤال $be + p.p$ دارند و مجهول هستند. نکته مهمی که باید در این سؤال به آن توجه داشته باشیم این است که فعل $found$ دو معنی و کاربرد متفاوت دارد. در گزینه‌های a و c این فعل به عنوان اسم مفعول فعل $find$ (پیدا کردن) استفاده شده که به معنی این جمله نمی‌خورد. ولی در گزینه‌های b و d این فعل ed گرفته و به عنوان اسم مفعول فعل $found$ (تأسیس کردن) مورد استفاده قرار گرفته که از نظر معنایی برای این جمله مناسب است. قید زمان گذشته in 1793 نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

249: c: برای مدتی طولانی این طور فکر شده است که هیچ حیاتی روی ماه وجود ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی‌تواند فاعل جای خالی (فکر کردن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این طور «فکر می‌شود»، نه این که خود آ فکری بکنند! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

250: d: پنجره‌های ساختمان چند روز پیش در یک طوفان شکسته شدند.

عبارت قبل از جای خالی (پنجره‌های ساختمان) مفعول جای خالی (شکستن) است. در واقع پنجره‌ها توسط طوفان شکسته شده‌اند، نه این که خودشان شکسته باشند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). در جای خالی باید از فعل جمع استفاده کنیم، چون «پنجره‌های ساختمان» شکسته شده‌اند، نه خود اسم مفرد «ساختمان». پس گزینه a که was دارد حذف می‌شود. قید زمان گذشته a few days ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

251 a: ما از کس دیگری پرسیدیم چون شما نتوانستید به آن سؤال جواب بدهید.

کلمه قبل از جای خالی (ما) فاعل جای خالی (پرسیدن) است. عبارت «کس دیگری» که بعد از جای خالی آمده باعث می شود که «پرسیدن» برای تکمیل جمله مناسب باشد، نه «پرسیده شدن». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های a و c). نکته مهمی که در این سؤال به کار رفته این است که کلمه since در این جمله معنی «چون» دارد و معادل because است. نباید تا since را می بینیم چشم بسته سراغ زمان حال کامل برویم. کلمه «چون» می تواند با هر زمانی استفاده شود. بنابراین همیشه باید به معنی و مفهوم جمله توجه کنیم. در درس سوم در مورد کاربرد since دقیق تر صحبت می کنیم. گذشته بودن ادامه جمله نشان می دهد که از نظر مفهومی باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

252 a: آن شرکت، شرکت بزرگی است. پانصد نفر در آن جا استخدام هستند.

عبارت قبل از جای خالی (پانصد نفر) مفعول جای خالی (استخدام کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a، b و d). در گزینه d، فعل be به درستی صرف نشده است. فقط در جاهای خاصی (مثلاً در استمراری مجهول) می توانیم be را به صورت being بیاوریم. بین دو گزینه باقی مانده، تفاوت شخص وجود دارد و چون قبل از جای خالی اسم جمع آمده، باید فعل جمع را انتخاب کنیم.

253 c: من نتوانستم نامه را تایپ کنم چون کامپیوتر درست وقتی که من به آن نیاز داشتم، داشت استفاده می شد.

کلمه قبل از جای خالی (کامپیوتر) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b و c). مفهومی که عبارت «درست وقتی که من به آن نیاز داشتم» به جمله می دهد، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

254 c: من نمی دانستم که صحبتان دارد ضبط می شود.

کلمه قبل از جای خالی (صحبت) مفعول جای خالی (ضبط کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b، c و d). شاید از نظر معنی فارسی، گزینه های b و d هم درست به نظر بیایند، چون در معادل فارسی این جمله می توانیم از «دارد ضبط می شود» یا «ضبط خواهد شد» استفاده کنیم. ولی با توجه به نکته «پایه گذشته» که در درس نامه گرامر توضیح دادیم، بعد از پایه گذشته I didn't know حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس در گزینه های b و d به جای is و will باید از was و would استفاده کنیم. چون این نکته «پایه گذشته» در فارسی وجود ندارد، زمان این جمله در فارسی با انگلیسی کمی تفاوت دارد. همان طور که می بینید در ترجمه این جمله از زمان حال استمراری (دارد ضبط می شود) استفاده کردیم، ولی در گرامر انگلیسی باید این جمله را با گذشته استمراری بیاوریم. حواسمان باشد که بعضی از چیزهایی که در محاوره می شنویم، ممکن است جزو اشتباهات رایج محاوره ای باشند و نباید آن ها را در پاسخ گویی به سؤالات گرامر لحاظ کنیم.

255 d: بسیاری از انواع سرطان توسط عوامل غذایی ایجاد می شوند.

عبارت قبل از جای خالی (بسیاری از انواع سرطان) مفعول جای خالی (ایجاد کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b و d). حواسمان باشد که گزینه a مجهول نیست، چون در انتهای آن ing آمده، نه ed. تا یک فعل سه کلمه ای می بینیم، آن را مجهول در نظر نگیریم. باید فعل را دقیق بخوانیم و ببینیم که be + p.p. دارد یا نه. گزینه های b و d با هم تفاوت شخص دارند. کلمه ای که درست قبل از جای خالی آمده (cancer) مفرد است، ولی در این جا کل عبارت قبل از جای خالی (many types of cancer) ملاک است که جمع است.

256 c: می دانی که ماریا به عنوان برنامه نویس کامپیوتری شرکت دعوت شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (ماریا) مفعول جای خالی (دعوت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که ماریا فلان کس را به عنوان برنامه نویس کامپیوتری شرکت «دعوت کرده است». تنها گزینه ای که be + p.p. دارد و مجهول است، گزینه c است.

257 b: کلمه «احمق» در گزارش من بود، ولی به تو اشاره نمی کرد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به «کلمه احمق» برمی گردد (فاعل جای خالی (اشاره کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های a و b). مفهوم این جمله نشان می دهد که باید در این جمله از فعل معلوم در زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

258 d: آپارتمان های زیادی در طول پنج سال گذشته برای کارمندان فقیر ساخته شده اند.

کلمه قبل از جای خالی (آپارتمان ها) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت during the last five years (در طول پنج سال گذشته) برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

259 a: مجموعه داستان های نوشته شده توسط آن نویسنده توسط یک انتشارات معروف منتشر خواهد شد.

همه گزینه های این سؤال be + p.p. دارند و مجهول هستند. اگر دقت کافی نداشته باشیم، احتمالاً درگیر چک کردن زمان گزینه ها می شویم، در حالی که نکته خیلی مهم تری در این سؤال مطرح است. همان طور که قبلاً گفتیم، تفاوت شخص خیلی مهم تر از تفاوت زمان است. چیزی که قرار است منتشر شود «مجموعه داستان ها» است، نه «داستان ها». در واقع قرار است «یک» مجموعه داستان منتشر شود. پس فعلی که در جای خالی می آوریم باید با اسم مفرد collection تطابق داشته باشد، نه با اسم جمع stories. کلمات are و have که در گزینه های b، c و d آمده اند جمع هستند و نمی توانند جواب صحیح باشند، ولی will هم برای جمع به کار می رود و هم برای مفرد. بنابراین تنها گزینه ای که می تواند به عنوان یک فعل مفرد در جای خالی این سؤال بیاید گزینه a است.

260 d: وقتی که داخل آن خانه هستید، حس متفاوتی نسبت به هیچ خانه قدیمی بزرگ دیگری ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به خانه اشاره دارد (فاعل جای خالی (حس خاصی داشتن) است. کلمه feel معمولاً معنی «احساس کردن» دارد، ولی در جملاتی مشابه جمله این سؤال، این کلمه کمی متفاوت معنی می شود. وقتی می گوئیم sth feels different، معنی آن این است که «چیزی حس متفاوتی دارد» یا «چیزی متفاوت به نظر می رسد». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های b و d). بخش اول جمله و مفهوم کلی صورت سؤال نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

261 b: امروزه تعداد زیادی از افراد اجازه دارند که در بازی‌های المپیک شرکت کنند. عبارت قبل از جای خالی (تعداد زیادی از افراد) مفعول جای خالی (اجازه دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). با توجه به این که قبل از جای خالی یک عبارت جمع آمده، جواب این سؤال باید یک فعل جمع باشد، نه مفرد.

262 b: چیزی که من در مورد آن هتل دوست نداشتم این بود که وقتی که ما در آن جا اقامت داشتیم، هنوز داشت رنگ می‌شد. کلمه قبل از جای خالی (it، که به هتل اشاره دارد) مفعول جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). در جدولی که در درس نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» آورده شده، مثال‌هایی برای کاربرد Still دیدیم. توضیح دقیق‌تر آن این است که وقتی که Still با فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین بین گزینه‌های a و b که زمان مناسبی دارند، قید Still در گزینه b به درستی به کار رفته است. جای Still در گزینه‌های c و d هم درست است، ولی گزینه c از نظر زمانی و گزینه d از لحاظ معلوم و مجهولی مشکل دارد.

263 b: الف: «فکر کنم وقتی که داشتم از اتوبوس پیاده می‌شدم، خودکارم را گم کردم.» ب: «نگران نباش. می‌توانی این جا یک خودکار جدید بخری.» کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (گم کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). گزینه c که زمان گذشته استمراری دارد (داشتم گم می‌کردم)، از نظر مفهومی برای این جمله مناسب نیست. شاید زمان حال کامل که در گزینه d آمده از نظر معنایی و کاربردی برای این جمله مناسب به نظر برسد، ولی عبارت when I was getting off the bus که بعد از جای خالی آمده، نمی‌تواند با زمان حال کامل همراه شود. به طور کلی، عبارت «جمله گذشته + when» همیشه یک قید زمان گذشته می‌سازد و طبق درس نامه گرامر، جزو قیدهای غیرمجاز برای حال کامل است.

264 b: او گفت که از او خواسته شد که وقتی که آن‌ها پای تلفن صحبت می‌کنند، ساکت بنشینند. کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (خواستن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). اگر بخواهیم فعل معلوم «خواستن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که او از فلان کس «خواست». بعد از he said که یک پایه گذشته است، حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس باید در جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

265 a: او از شنیدن این که این خانه همین دو سال پیش ساخته شده است، متعجب خواهد شد. کلمه قبل از جای خالی (خانه) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، درست نیست که صرفاً با اتکا به ترجمه فارسی، زمان فعل انگلیسی را انتخاب کنیم. مخصوصاً وقتی که زمان‌های کامل مطرح هستند، خیلی وقت‌ها زمان فعل فارسی و انگلیسی با هم فرق دارد. در ترجمه فارسی این جمله، بهتر است از «ساخته شده است» استفاده کنیم، نه «ساخته شد»، ولی این دلیل مناسبی برای انتخاب زمان حال کامل نیست. قید زمان گذشته two years ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

266 a: معلم عصبانی است چون فقط یکی از سؤالات درست جواب داده شده است. عبارت قبل از جای خالی (یکی از سؤالات) مفعول جای خالی (جواب دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص با «یکی از سؤالات» تطابق داشته باشد، نه فقط خود کلمه جمع «سؤالات» که به جای خالی چسبیده است. بنابراین جواب صحیح باید یک فعل مفرد باشد، نه جمع.

267 a: متأسفانه من تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام. می‌شود کمی زمان بیشتر به من بدهید؟ کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (تمام کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). از نظر مفهومی، زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (در حال تمام کردن نبودم). شاید کلمه afraid را بیشتر به معنی «ترسیده» دیده باشیم، ولی عبارت I'm afraid می‌تواند به معنی «متأسفانه، متأسفم» هم استفاده شود.

268 d: از وقتی که جنگ شروع شد، بیش از پنج هزار نفر کشته شده‌اند. عبارت قبل از جای خالی (بیش از پنج هزار نفر) مفعول جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since the war began برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته استمراری.

269 d: پدرم به من اجازه داد که با جان بازی کنم چون اعتقاد بر این است که او پسر خیلی مؤدبی است. ضمیر he که قبل از جای خالی آمده، به جان اشاره دارد، نه به پدر. اگر قرار بود این ضمیر به پدر اشاره داشته باشد، باید یک ضمیر دیگر هم در ادامه جمله برای جان می‌آمد، چون مؤدب بودن در مورد جان مطرح شده است. در این جمله، جان مفعول اعتقاد داشتن است و در واقع اعتقادی در مورد او وجود دارد. این هم یک نوع جمله مجهول است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). نکته مهم دیگری که در این سؤال به کار رفته این است که برای انتخاب زمان جمله، باید تشخیص بدهیم که فعل let در این جا به عنوان یک فعل حال آمده یا گذشته. می‌دانیم که هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل let یکی است. با توجه به این که قبل از let فاعل سوم شخص مفرد آمده، اگر زمان این فعل حال بود، باید S سوم شخص مفرد می‌گرفت و به شکل lets می‌آمد. بنابراین S نداشتن فعل let نشان می‌دهد که این فعل در این جمله به صورت گذشته استفاده شده است. گذشته بودن این جمله باعث می‌شود که از نظر مفهومی، زمان گذشته ساده برای تکمیل جای خالی مناسب باشد، نه حال کامل. این نکته که در مورد S سوم شخص مفرد در این سؤال دیدیم، در سؤالات گرامری مباحث دیگری هم می‌تواند استفاده شود.

270 c: او می‌گوید که به بعضی از کارمندان، پول خیلی زیادی دارد پرداخت می‌شود برای انجام کار خیلی کمی. کلمه قبل از جای خالی (کارمندان) مفعول جای خالی (پرداخت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که be + p.p دارد و مجهول است، گزینه c است. حواسمان باشد که عبارت He says که در ابتدای این جمله آمده، محدودیتی برای زمان این جمله ایجاد نمی‌کند، چون پایه گذشته نیست. همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از پایه گذشته، فعل ادامه جمله حتماً باید به شکل گذشته بیاید، ولی پایه حال تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی‌گذارد و هر زمانی که به مفهوم جمله بخورد می‌تواند استفاده شود.

271 b: من سند اصلی را ندیدم، ولی یک کپی به من نشان داده شد.

کلمه قبل از جای خالی (من) مفعول جای خالی (نشان دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). مفهوم جمله و گذشته بودن جمله اول، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استفاده کنیم، نه حال.

272 a: کیک به طبقه بالا برده شد و توسط بچه‌ها خورده شد.

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعول جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اتفاق خاصی که در این جمله افتاده این است که از the cake was فاکتور گرفته شده و این عبارت به قرینه حذف شده است. اگر بخواهیم این جمله را کامل بنویسیم، باید این عبارت را سر جای خالی تکرار کنیم. پس اگر چند فعل مجهول با زمان‌های یکسان پشت سر هم آمده باشند، می‌توانیم be را فقط در فعل اول بیاوریم و برای فعل‌های بعدی فقط از اسم مفعول استفاده کنیم. البته حذف be اجباری نیست و خود was eaten هم می‌توانست جواب این سؤال باشد. گزینه‌های c و d هم مجهول هستند، ولی نمی‌توانند در جای خالی آورده شوند. در گزینه c فعل be صرف نشده و گزینه d هم زمان حال ساده دارد که برای این جمله مناسب نیست.

273 a: در بسیاری از کشورها، این مراسم هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (مراسم) مفعول جای خالی (برگزار کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). کلمه hold علاوه بر معنی «نگه داشتن»، معنی «برگزار کردن» هم دارد که در سال‌های قبل با این معنی آن هم آشنا شده‌ایم. از نظر مفهومی، زمان حال ساده برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (داشت برگزار می‌شد).

274 d: او درست از کنار من قدم زد (رد شد) بدون سلام دادن یا حتی متوجه شدن این‌که من آن‌جا بودم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعل جای خالی (قدم زدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های c و d). نکته‌ای که در این سؤال ساده می‌خواهیم یاد بگیریم این است که نباید بدون خواندن دقیق جمله، صرفاً با دیدن by بعد از جای خالی، سراغ فعل مجهول برویم. حرف اضافه by در این جمله به معنی «کنار» به کار رفته است. به طور کلی، جمله می‌تواند حالت‌های مختلفی داشته باشد و مطمئن‌ترین راه، چک کردن مفهوم جمله برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن آن است. فعل گذشته was که در اواخر این جمله آمده نشان می‌دهد که مفهوم ابتدای این جمله هم به فعل گذشته نیاز دارد، نه حال.

275 b: از نیمه‌شب گذشته بود و هیچ‌کس در خیابان نبود. ولی وقتی که داشتم به سمت خانه قدم می‌زدم، احساس کردم که در تاریکی دارم تعقیب می‌شوم.

کلمه قبل از جای خالی (من) مفعول جای خالی (تعقیب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). تنها چیزی که برای تشخیص زمان این جمله باید به آن توجه کنیم، پایه گذشته است. با این‌که ترجمه فارسی این جمله بیشتر زمان حال استمراری را نشان می‌دهد، عبارت I felt که قبل از جای خالی آمده باعث می‌شود که در جای خالی از یک فعل گذشته استفاده کنیم.

276 d: آن پارک از آخر هفته پیش بسته شده است چون یک فیلم دارد در آن‌جا فیلم برداری می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پارک) مفعول جای خالی (بستن) است. در واقع پارک توسط افرادی بسته شده است، نه این‌که خودش بسته شده باشد. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since last week برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

277 c: یکی از همسایه‌های من شش ماه پیش ناپدید شد. او از آن موقع به بعد دیده نشده است.

عبارت قبل از جای خالی (یکی از همسایه‌های من) فاعل جای خالی (ناپدید شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). آمدن کلمه «شدن» در ترجمه فارسی فعل disappear باعث می‌شود به اشتباه فکر کنیم که باید آن را مجهول کنیم. ولی باید حواسمان باشد که خود این فعل به معنی «ناپدید شدن» است؛ یعنی این فعل خودش در حالت معلوم، «شدن» را در معنی‌اش دارد. کلمه disappear در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. در بین افعالی که در درس نامه گرامر، در بخش «افعالی که مجهول نمی‌شوند» آوردیم، دو فعل appear و disappear شاید پرخطرترین افعال باشند. قید زمان گذشته six months ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

278 d: این زمین‌های تنیس خیلی زیاد استفاده نمی‌شوند. افراد زیادی نمی‌خواهند بازی کنند.

عبارت قبل از جای خالی (زمین‌های تنیس) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های c و d). حتی اگر معنی کلمه court (زمین بازی) را ندانیم، باز هم می‌توانیم مجهول بودن این جمله را تشخیص بدهیم، چون اگر بخواهیم فعل معلوم «استفاده کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که چیزی از چیزی «استفاده می‌کند». بین گزینه‌های c و d تفاوت شخص وجود دارد، پس با تفاوت زمان این دو گزینه کاری نداریم. جمع بودن عبارت قبل از جای خالی نشان می‌دهد که باید در جای خالی از یک فعل جمع استفاده کنیم، نه مفرد.

279 b: من قبلاً یک دوچرخه داشتم، ولی دزدیده شد و الان مجبورم هر روز سوار اتوبوس شوم.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به دوچرخه اشاره دارد) مفعول جای خالی (دزدیدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و b). مشخص است که عمل دزدیده شدن در گذشته انجام شده و بنابراین، زمان گذشته ساده برای این جمله مناسب است، نه حال ساده. قیده‌های زمان now و every day که در جمله بعد از جای خالی آمده‌اند، مربوط به سوار اتوبوس شدن هستند و ارتباطی با جای خالی ندارند. عبارت used to (قبلاً) که در اوایل جمله آمده، به عمل یا حالتی اشاره دارد که در گذشته بوده، ولی دیگر وجود ندارد.

280 a: پلیس دارد دنبال یک پسر گم شده می‌گردد که اعتقاد بر این است که یک ژاکت سفید و شلوار جین آبی به تن دارد.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعل جای خالی (دنبال چیزی گشتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). نکته مهمی که در این سؤال می‌خواهیم یاد بگیریم این است که کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم. اگر بخواهیم به یک فرد پلیس اشاره کنیم، باید از کلمات دیگری مثل policeman یا police officer استفاده کنیم. گزینه‌های c و d مفرد هستند و نمی‌توانند جواب این سؤال باشند.

281 **d:** گزارش شده که آن ساختمان به طور بدی توسط آتش صدمه دیده است.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی‌تواند فاعل جای خالی (گزارش کردن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این‌طور «گزارش شده»، نه این‌که خود it گزارشی کرده باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که $be + p.p$ دارد و مجهول است، گزینه d است.

282 **b:** اگر مراقب نباشی که با آن چکش چه کار می‌کنی، یک نفر در عرض یک دقیقه (به‌زودی) آسیب خواهد دید.

کلمه قبل از جای خالی (یک نفر) مفعول جای خالی (آسیب زدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a, b, c و d). اگر بخواهیم این سؤال را یک سؤال ترکیبی و جامع ببینیم، می‌توانیم بگوییم که این جمله، شرطی نوع اول (درس ۳ یازدهم) است و ساختار شرطی نوع اول در گزینه b رعایت شده است. ولی به عنوان یک سؤال مستقل این درس هم می‌توان به جواب این سؤال رسید. مفهوم جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل hurt یکی است و این فعل هیچ‌وقت ed نمی‌گیرد.

283 **d:** قبل از این‌که آن ماشین را بخری، باید بدانی که کی تولید شده است.

کلمه it که در گزینه‌ها آمده و به ماشین اشاره دارد، مفعول فعل داخل جای خالی (تولید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a, c و d). نکته مهمی که در این سؤال مطرح شده و در جملات کتاب‌های درسی هم چندین بار به کار رفته، این است که با وجود این‌که کلمه پرسشی when قبل از جای خالی آمده، بعد از این کلمه پرسشی نیازی به ساختار سؤالی نداریم و باید از ساختار خبری استفاده کنیم. اگر به این جمله دقت کنیم، متوجه می‌شویم که اصلاً این جمله سؤالی نیست. بنابراین بودن کلمه پرسشی در جمله، همیشه باعث نمی‌شود که جمله را سؤالی کنیم. مفهوم جمله نشان می‌دهد که کلمه پرسشی دارد سؤال می‌پرسد یا نه. غیر از گزینه d، بقیه گزینه‌ها ساختار سؤالی دارند و نمی‌توانند جواب صحیح باشند.

284 **b:** امیدوارم که او قبل از این‌که من بروم، به خانه پسرعموهایمان برسد تا این‌که من بتوانم چند داستان جالب بشنوم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعل جای خالی (رسیدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). فعل get معانی زیادی دارد که در بعضی از این معانی می‌تواند مجهول شود. این فعل در این جمله به معنی «رسیدن» و مشابه arrive به کار رفته است. در این معنی، مثل خود arrive، یک فعل لازم است و اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. مفهوم ادامه جمله نشان می‌دهد که گوینده منتظر رسیدن این فرد است و نمی‌توانیم جای خالی را با زمان گذشته تکمیل کنیم. کلمه SO به عنوان حرف ربط، می‌تواند حرف ربط نتیجه به معنی «بنابراین» یا حرف ربط هدف به معنی «تا، تا این‌که» باشد.

285 **a:** امروزه دستگاه‌ها برای انجام دادن کارهای دشوار مختلف زیادی استفاده می‌شوند.

کلمه قبل از جای خالی (دستگاه‌ها) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). مفهومی که قید زمان حال nowadays به جمله می‌دهد باعث می‌شود که زمان مناسب برای این جمله حال ساده باشد، نه حال کامل.

286 **d:** یک فیلم که در مورد زندگی دو دانشمند بزرگ است همین حالا در حالیهوود دارد ساخته می‌شود.

مفهوم جمله به وضوح نشان می‌دهد که فعلی که در جای خالی می‌آید، مربوط به کلمه «فیلم» است، نه کلمه «دانشمندان» که به جای خالی چسبیده است. کلمه «فیلم» مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a, b, c و d). با توجه به مفرد بودن کلمه «فیلم»، باید یکی از گزینه‌های c و d جواب صحیح باشد. قید زمان right now نشان می‌دهد که این فیلم همین حالا «دارد ساخته می‌شود»، پس باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم، نه حال ساده.

287 **c:** معلم گفت: «به‌زودی چند کتاب برای دانش‌آموزانی که می‌خواهند در مورد این موضوع بیشتر بدانند فراهم خواهد شد.»

عبارت قبل از جای خالی (چند کتاب) مفعول جای خالی (فراهم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). مفهوم جمله و آمدن قید زمان soon (به‌زودی) در انتهای جمله، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم، نه گذشته. دقت داشته باشیم که آمدن Will در این جمله اشتباه نیست، چون این جمله پایه گذشته ندارد. بعد از عبارت The teacher said علامت نقل قول (" ") آورده شده است. این یعنی جمله‌ای که داخل علامت نقل قول آمده، یک جمله مستقل است، نه ادامه پایه گذشته. پس در این حالت نباید پایه گذشته را در نظر بگیریم.

288 **a:** آدام به مدت سی سال در آن شرکت کار کرده است و خوشش نمی‌آید وقتی که توسط تازه‌واردها به او دستور داده می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (آدام) فاعل جای خالی (کار کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). این‌که در ادامه جمله با زمان حال گفته شده «خوشش نمی‌آید»، نشان می‌دهد که این فرد هنوز هم در آن شرکت کار می‌کند. بنابراین با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می‌شود، باید برای تکمیل جای خالی از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

289 **d:** مردی که در خانه بغلی زندگی می‌کرد با یک چاقو کشته شد.

کلمه قبل از جای خالی (مرد) مفعول جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از فعل مجهول، انجام‌دهنده کار را با by و وسیله انجام کار را با with می‌آوریم. چاقو وسیله انجام کار است، نه انجام‌دهنده کار، پس باید با with همراه شود.

290 **b:** به او گفته شد که آن‌ها در یک شهر بزرگ خیلی دور از شهر کوچک او زندگی می‌کنند.

فعل tell در این جمله باید مجهول باشد و تنها گزینه‌ای که $be + p.p$ دارد گزینه b است. نکته خیلی مهمی که در مورد کاربرد فعل tell وجود دارد این است که بعد از این فعل همیشه باید مفعول بیاید. نیامدن مفعول بعد از جای خالی نشان می‌دهد که این فعل در این جمله باید به شکل مجهول به کار برود. ولی فعل say این‌طور نیست و می‌تواند با مفعول یا بدون مفعول آورده شود. به چهار عبارت زیر توجه کنید که اولی اشتباه است و بقیه درست:

- He told that ... او گفت که ...
- He told me that ... او به من گفت که ...
- He said that ... او گفت که ...
- He said to me that ... او به من گفت که ...

291 **was founded**: آن شرکت کاملاً قدیمی است. در سال ۱۹۳۵ تأسیس شد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به شرکت اشاره دارد) مفعول جای خالی (تأسیس کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته in 1935 در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

292 **have been bought**: حدود ۳۰۰ کتاب جدید از پارسال (تا حالا) برای کتابخانه خریده شده است.

کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعول جای خالی (خریدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since last year برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

293 **was sent**: او به خارج از کشور فرستاده شد تا در یک بانک کار کند، ولی از آن متنفر بود.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (فرستادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن ادامه جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، ابتدای این جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

294 **reported**: او به پلیس زنگ زد و حمله شدن به او در بیرون خانه‌اش را گزارش کرد.

کلمه‌ای که باید ارتباط معلوم یا مجهولی آن با جای خالی را چک کنیم، ضمیر she است که در ابتدای جمله آمده و از سر جای خالی به قرینه حذف شده است. این کلمه فاعل جای خالی (گزارش کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. گذشته بودن فعل phoned نشان می‌دهد که ادامه جمله هم از نظر مفهومی به همین زمان گذشته ساده نیاز دارد.

295 **was flown**: چند دقیقه بعد از تصادف، آن مرد مجروح از طریق آمبولانس هوایی به نزدیک‌ترین بیمارستان برده شد (پرواز داده شد).

کلمه fly می‌تواند به معنی «پرواز کردن» یا «به پرواز درآوردن» و یا در مورد یک شخص یا کالا به معنی «با هواپیما جابه‌جا کردن، از طریق هوایی بردن» باشد. کلمه قبل از جای خالی (مرد مجروح) در این جمله مفعول این فعل است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد تا بگوید که این فرد از طریق هوایی به بیمارستان «برده شده است». مفهومی که عبارت «چند دقیقه بعد از تصادف» به جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. اگر اسم مفعول fly را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

296 **was lost**: من هیچ‌وقت کتابی را که دنبالش می‌گشتم پیدا نکردم. فکر می‌کنم وقتی که به خانه جدیدمان اسباب‌کشی کردیم، آن کتاب گم شد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به کتاب اشاره دارد) مفعول جای خالی (گم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. قید زمان گذشته که به صورت «جمله گذشته + when» آمده، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

297 **being read**: آیا آن رمان در حال حاضر دارد خوانده می‌شود یا من می‌توانم آن را بخوانم؟

کلمه قبل از جای خالی (رمان) مفعول جای خالی (خواندن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت at the moment (در حال حاضر) نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم. این فعل حال استمراری مجهول به شکل is being read ساخته می‌شود که is در صورت سؤال نوشته شده و چون جمله سؤالی است، جای آن با فاعل عوض شده است. گذشته و اسم مفعول فعل read خود همین کلمه، ولی با تلفظ متفاوت است. شکل گذشته و اسم مفعول این فعل به صورت red تلفظ می‌شود.

298 **wasn't called**: هیچ‌کس در آن تصادف آسیب ندید، بنابراین به آمبولانس زنگ زده نشد.

کلمه قبل از جای خالی (آمبولانس) مفعول جای خالی (زنگ زدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش اول جمله نشان می‌دهد که بخش دوم جمله هم از نظر مفهومی به زمان گذشته ساده نیاز دارد. طبیعتاً آمدن not در پرانتز صورت سؤال به این معنی است که فعل این جمله باید به شکل منفی نوشته شود. در این نوع سؤالات تشریحی باید همیشه حواسمان به مفهوم جمله باشد، چون ممکن است جمله به فعل منفی نیاز داشته باشد ولی صورت سؤال با آوردن not ما را راهنمایی نکرده باشد.

299 **has been taught**: به مدت چندین سال به پیترا آواز خواندن یاد داده شده است. فکر می‌کنم که حالا می‌توانیم او را یک خواننده حرفه‌ای بنامیم.

کلمه قبل از جای خالی (پیترا) مفعول جای خالی (یاد دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال و تأکیدی که بر آثار حال یاد دادن در این جمله وجود دارد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

300 **Has - been added**: این اتاق متفاوت به نظر می‌رسد. چیز جدیدی اضافه شده است؟

بخش اصلی این فعل قرار است در جای خالی دوم بیاید. جای خالی اول به اولین فعل کمکی اختصاص دارد که به خاطر سؤالی شدن جمله، جای آن با فاعل عوض شده است. عبارت قبل از جای خالی دوم (چیز جدیدی) مفعول این جای خالی (اضافه کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد، بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل جاهای خالی استفاده کنیم.

301 **is thought**: هیچ‌کس آدرس دقیق را نمی‌داند، ولی این‌طور فکر می‌شود که او جایی در روسیه است.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (فکر کردن) است. این جمله می‌خواهد بگوید که فکر و تصویری در مورد این فرد وجود دارد، نه این‌که خود این فرد فکری کند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

302 **will be given**: چند دقیقه قبل از این‌که امتحان بعدی شروع شود، سؤالات به شما داده خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (شما) مفعول جای خالی (دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به این‌که این صحبت در مورد امتحان «بعدی» است، مفهوم این جمله به زمان آینده نیاز دارد که می‌تواند با will یا be going to ساخته شود.

303 was built برج ایفل توسط مهندس فرانسوی، الکساندر گوستاو ایفل، ساخته شد.

کلمه قبل از جای خالی (برج ایفل) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن برج ایفل در گذشته انجام شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

304 have caught تو باید به ایستگاه پلیس بروی چون پلیس مردی را که ماشینت را دزدید گرفته است. او در حال حاضر دارد بازجویی می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعل جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. شاید بتوانیم این جمله را با زمان گذشته ساده هم بنویسیم، ولی با توجه به تأکیدی که بر آثار حال این عمل گذشته وجود دارد، مناسب‌ترین زمان برای این جمله زمان حال کامل است. همان‌طور که در بخش تست‌های گرامر این درس هم گفتیم، کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم.

305 been visited آیا این موزه توسط دانش‌آموزان زیادی که حدوداً هم‌سن من هستند بازدید شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (موزه) مفعول جای خالی (بازدید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل has در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، حال کامل است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای has با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل حال کامل مجهول را بنویسیم.

306 has been taken از وقتی که دانشگاه را شروع کردیم، یک عکس از من و هم‌کلاسی‌هایم در انتهای هر دوره گرفته شده است.

کلمه قبل از جای خالی (عکس) مفعول جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since we started university برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص با اسم مفرد photograph تطابق داشته باشد، نه اسم جمع classmates که به جای خالی چسبیده است. بنابراین فعل حال کامل مجهول باید به صورت مفرد در جای خالی نوشته شود.

307 were found کشاورزان آن خانم‌ها را به بیمارستان بردند وقتی آن‌ها در حالی که در جنگل گم شده بودند، پیدا شدند.

ضمیر they که قبل از جای خالی آمده، به women (خانم‌ها) اشاره دارد. اگر قرار بود این ضمیر به کشاورزان اشاره داشته باشد، باید یک them برای اشاره به خانم‌ها بعد از جای خالی می‌آمد تا جمله به صورت were found them when they found them نوشته شود. بنابراین در این جمله، باید فعل «پیدا کردن» را به صورت مجهول بیاوریم تا فعل «پیدا شدن» برای اشاره به خانم‌ها ساخته شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

308 are being painted همین حالا در حالی که ما داریم صحبت می‌کنیم، اتاق‌های بچه‌ها دارند رنگ می‌شوند.

کلمه قبل از جای خالی (اتاق‌ها) مفعول جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارتی که بعد از جای خالی آمده نشان می‌دهد که این عمل همین حالا در حال انجام شدن است. بنابراین باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم.

309 is not played این روزها بیس‌بال در سراسر جهان بازی نمی‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (بیس‌بال) مفعول جای خالی (بازی کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت these days و مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به بازی شدن بیس‌بال دارد. با توجه به کلمه not که در پرانتز آمده، باید این فعل را به شکل منفی بنویسیم.

310 was posted نمی‌دانم که چرا هنوز آن بسته را دریافت نکرده‌ایم. بیش از یک هفته پیش پُست شد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به بسته اشاره دارد) مفعول جای خالی (پُست کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته over a week ago در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

311 were made اولین قالیچه‌ها با دست ساخته می‌شدند و بهترین قالیچه‌ها هنوز هم دست‌ساز هستند.

کلمه قبل از جای خالی (قالیچه‌ها) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن اولین قالیچه‌ها در گذشته انجام می‌شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

312 caught ما مجبور شدیم که خانه را ترک کنیم وقتی که یکی از اتاق‌ها آتش گرفت.

عبارت catch fire به معنی «آتش گرفتن» است. از معنی این عبارت مشخص است که فعل catch در این عبارت نمی‌تواند مجهول شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

313 was eaten تمام کیک توسط دانش‌آموزان خورده شد، بنابراین معلم هیچ کیکي دریافت نکرد (به معلم هیچی نرسید).

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعول جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد. کل کیک در این جمله به عنوان یک واحد در نظر گرفته می‌شود و به همین دلیل، خود این کلمه به صورت مفرد آمده و با فعل مفرد هم همراه می‌شود.

314 be needed آیا این کتاب‌ها در سال آینده مورد نیاز خواهند بود یا می‌توانم آن‌ها را به پسرعمویم بدهم؟

کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعول جای خالی (نیاز داشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل Will در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، آینده است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای Will با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل آینده مجهول را بنویسیم.

315 is regarded: الکس به عنوان یکی از سخت‌کوش‌ترین دانش‌آموزان در مدرسه ما به شمار می‌رود و همه معلم‌ها او را خیلی دوست دارند. کلمه قبل از جای خالی (الکس) مفعول جای خالی (به شمار آوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

316 haven't been found: متأسفانه، کوه‌نوردان گم‌شده هنوز پیدا نشده‌اند. کلمه قبل از جای خالی (کوه‌نوردان) مفعول جای خالی (پیدا کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. کاملاً مشخص است که این جمله به فعل منفی نیاز دارد، ولی در پراگماتیک صورت سؤال not آورده نشده و تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار شده است.

317 was being repaired: وقتی که من این شهر را ترک کردم، سینمای قدیمی داشت تعمیر می‌شد. آن را تمام کرده‌اند؟ کلمه قبل از جای خالی (سینما) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که سینما در حال تعمیر شدن بوده است، بنابراین برای تکمیل جای خالی باید از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم.

318 will win: حمید در شطرنج خیلی ماهر نیست، بنابراین فکر می‌کنم که به راحتی برنده خواهد شد. کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (برنده شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. کلمه «شدن» که در ترجمه فعل WIN می‌آید نباید ما را به اشتباه بیندازد. فعل WIN به معنی «برنده کردن» نیست که مجهول آن «برنده شدن» باشد! خود این فعل در حالت معلوم به معنی «برنده شدن» است. بنابراین باید به معنی فعل توجه کنیم و تا در معنی فارسی فعل، کلمه «شدن» را می‌بینیم، نباید چشم‌پوشی سراغ فعل مجهول برویم. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که این بازی در آینده انجام خواهد شد و باید جای خالی را با زمان آینده تکمیل کنیم.

319 is believed: اعتقاد بر این است که حمله قلبی یکی از نتایج خوردن غذاهای چرب است. کلمه قبل از جای خالی (حمله قلبی) نمی‌تواند فاعل جای خالی (اعتقاد داشتن) باشد. این جمله می‌خواهد بگوید که این اعتقاد در مورد حمله قلبی وجود دارد، نه این که خود حمله قلبی اعتقادی داشته باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به اعتقادی در مورد حمله قلبی شده است.

320 has been chosen: من به دخترم افتخار می‌کنم چون او برای بازی کردن برای تیم ملی انتخاب شده است. کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (انتخاب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد. در گذشته دختر این فرد برای تیم ملی انتخاب شده و الان این فرد می‌گوید که به او افتخار می‌کند. بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل این جمله استفاده کنیم.

321 آن نامه قبلاً تایپ شده است. The letter has been typed before.

322 آن بازی توسط شش بازیکن در هر تیم بازی می‌شود. The game is played by six players on each team.

323 برگه‌های ما قبلاً تصحیح شده‌اند. Our papers have (already) been corrected (already).

در درس‌نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» قیدهایی در جدول آورده شده‌اند که جای خاصی نسبت به فعل دارند. در بعضی از سؤالات این بخش، باید به جای این قیدها دقت کنیم. قید already هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید already می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پراگماتیک نوشته شده آورده شود.

324 اسم او هرگز فراموش نخواهد شد. His name will never be forgotten.

کلمه never یک قید تکرار است و در حالت عادی، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

325 آیا آن کتابخانه توسط افراد مسن زیادی استفاده می‌شود؟ Is the library used by many older people?

علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده خیلی مهم است. این علامت سؤال باعث می‌شود که جای the library و is را با هم عوض کنیم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد.

326 من همیشه این نوع موسیقی را دوست داشته‌ام. I have always liked this kind of music.

کلمه always هم مثل never که قبل‌تر توضیح داده شد، یک قید تکرار است و در حالت عادی، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

327 آن فرش دارد توسط دو دختر جوان بافته می‌شود. The carpet is being woven by two young girls.

328 او تازه از یک سفر کاری به شیراز برگشته است. She has just come back from a business trip to Shiraz.

قید just معانی مختلفی دارد و می‌تواند به معنی «فقط» یا «تازه، همین الان» و یا «درست، دقیقاً» در جمله استفاده شود. این قید به معنی «تازه، همین الان»، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

329 او اخیراً کتابی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است. He has (recently) translated a book from English to Persian (recently).

قید recently هم مثل قید already که در سؤالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید recently می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پراگماتیک نوشته شده آورده شود.

330 من توسط پلیس متوقف شدم چون داشتم بیش از حد تند رانندگی می‌کردم.

I was stopped by the police because I was driving too fast.

331 آیا سال آینده تعداد دانش‌آموزان افزایش خواهد یافت؟

Will the number of students increase next year?

با توجه به علامت سؤال که در انتهای جمله آمده، این جمله باید ساختار سؤالی داشته باشد و بنابراین، جای the number of students و will با هم عوض شده است.

332 من از وقتی که دبیرستان را شروع کردم، پینگ‌پنگ بازی کرده‌ام.

I have played Ping-Pong since I started high school.

333 کلاس داشت تمیز می‌شد وقتی که دانش‌آموزان شروع کردند به رسیدن برای کلاس.

The classroom was being cleaned when the students started arriving for class.

334 من هنوز وقت نداشتم که این فیلم را تماشا کنم.

I haven't (yet) had time to watch this movie (yet).

قید yet هم مثل قیدهای already و recently که در سؤالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید yet می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پراگماتر نوشته شده آورده شود. البته کاربرد قید yet در انتهای جمله رایج‌تر است.

335 آیا تا به حال نظرت از تو پرسیده شده است؟

Have you ever been asked for your opinion?

قید ever معمولاً در جملات منفی یا سؤالی و به معنی «تا به حال، تاکنون» استفاده می‌شود. این قید باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. علامت سؤال که در انتهای جمله آمده نشان می‌دهد که این جمله باید ساختار سؤالی داشته باشد. به همین دلیل است که جای you و have با هم عوض شده است.

336 او هنوز در مورد مشکلش با دکترش صحبت نکرده است.

He still hasn't talked to his doctor about his problem.

همان‌طور که در پاسخ تست‌های گرامر گفتیم، وقتی که still با فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

337 چه کاری هر هفته توسط آن پسر جوان انجام می‌شود؟

His grandparents are visited by the young boy every week.

پدربزرگ و مادربزرگش هر هفته توسط آن پسر جوان ملاقات می‌شوند.

338 چه کاری دیروز توسط آن پسر بچه انجام شد؟

The window was broken by the little boy yesterday.

پنجره دیروز توسط آن پسر بچه شکسته شد.

339 چه کاری به مدت ده سال توسط سارا انجام شده است؟

English has been studied by Sara for ten years.

انگلیسی به مدت ده سال توسط سارا خوانده شده است.

340 چه کاری از هفته پیش توسط مریم انجام نشده است؟

The room hasn't been cleaned by Maryam since last week.

اتاق از هفته پیش توسط مریم تمیز نشده است.

341 b: خواهرت فیلم را تماشا نکرد، نه؟

چون جمله منفی است، باید برای آن سؤال ضمیمه مثبت بنویسیم. فاعل سؤال ضمیمه همیشه به شکل ضمیر فاعلی است و هیچ‌وقت نباید اسم باشد.

342 a: این بزرگ‌ترین خانه در محله ماست، نه؟

چون جمله مثبت است، باید برای آن سؤال ضمیمه منفی بنویسیم. همان‌طور که در جدول تغییرات خاص در درس نامه گرامر دیدیم، وقتی که فاعل جمله this یا that باشد، باید در سؤال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.

343 b: او هر روز ناهارش را سر کار می‌خورد، نه؟

چون جمله مثبت است، باید برای آن سؤال ضمیمه منفی بنویسیم. فعل has در این جمله به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «خوردن» به کار رفته است، بنابراین برای سؤال و منفی کردن آن باید از doesn't استفاده کنیم. در انگلیسی قدیمی hasn't هم در این حالت استفاده می‌شده، ولی در انگلیسی امروزی hasn't فقط برای فعل کمکی has استفاده می‌شود و به کار بردن آن برای فعل اصلی has اشتباه است.

344 c: ماشین طرف شویی هیچ مشکلی نداشت، نه؟

کلمه nothing جمله را منفی می‌کند و باید برای آن سؤال ضمیمه مثبت بنویسیم. طبق جدول تغییرات خاص، وقتی که nothing فاعل جمله باشد، باید در سؤال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.

345 c: هادی ورزش روزانه زیادی انجام می‌دهد، نه؟

فاعل سؤال ضمیمه باید به شکل ضمیر فاعلی بیاید، نه اسم. همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، برای ساختن سؤال ضمیمه منفی، همیشه باید از حالت مخفف n't استفاده کنیم و آوردن not در سؤال ضمیمه اشتباه است. البته در حالت خیلی رسمی می‌توانیم سؤال ضمیمه منفی را با not بیاوریم، به شرطی که not را در انتهای سؤال ضمیمه و بعد از فاعل بنویسیم؛ یعنی در این جمله به جای doesn't he می‌توانیم از does he not استفاده کنیم. این نکته را در درس نامه گرامر نیاوردم چون در درس ما نیست و خیلی بعید است که طراح سؤال از آن استفاده کند.

مقدمه مؤلف

❖ شکی نیست که مهم‌ترین بخش زبان انگلیسی، واژگان آن است که علاوه بر داشتنی سؤالات مستقل در امتحان نهایی، پیش‌نیاز تمام بخش‌های دیگر هم محسوب می‌شود. تسلط بر واژگان از طریق مرور و تکرار حاصل می‌شود. جدا شدن واژگان از کتاب اصلی و ارائه آن‌ها در قطعی کوچک‌تر، این امکان را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند که راحت‌تر این کتابچه را همراه خود داشته باشد و از فرصت‌های مختلف برای مرور واژگان استفاده کند.

❖ در سؤالات ساده و متوسط امتحان نهایی، خیلی وقت‌ها از عین جملات کتاب درسی یا جملات مشابه آن‌ها استفاده می‌شود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم به جای این‌که برای هر لغت، جملات متفاوتی را به عنوان مثال بیاوریم، خود جملات کتاب درسی را بررسی کنیم. جملات کتاب درسی بهترین مثال برای کاربرد هر لغت هستند و خواندن آن‌ها برای امتحان نهایی مفید است.

❖ در این کتابچه واژگان، هر لغتی که در کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، آورده شده است؛ چه آن لغت در کتاب‌های درسی سال‌های قبل هم به کار رفته باشد، چه لغت جدیدی باشد که برای اولین بار در کتاب درسی دوازدهم آورده شده است.

❖ واژگان سال‌های قبل پیش‌نیاز دوازدهم محسوب می‌شوند و حتی اگر در امتحان نهایی به عنوان جواب صحیح سؤال واژگان آورده نشوند، ممکن است در صورت سؤالات یا متن‌ها به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. به همین دلیل، اگر لغتی در کتاب‌های درسی سال‌های قبل در معنی متفاوتی نسبت به کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، آن معنی هم برای آن لغت ارائه شده است. علاوه بر این، لیستی از واژگان سال‌های هفتم تا یازدهم که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند در ابتدای کتابچه آورده شده است. با خواندن این لیست در کنار بقیه بخش‌های کتابچه، می‌توانیم با خیال راحت ادعا کنیم که تمام واژگان هفتم تا دوازدهم را به‌طور کامل خوانده‌ایم.

❖ معانی و نکات هر لغت، فقط در اولین جایی که آن لغت در کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، نوشته شده است تا از تکرار بیهوده لغات و افزایش حجم کتابچه جلوگیری شود. لغاتی که بیش از یک بار در این کتابچه تکرار شده‌اند، لغاتی هستند که در کتاب درسی در معانی مختلفی به کار رفته‌اند و معانی آن‌ها به مرور تکمیل شده است، یا این‌که برای جمع‌بندی هم خانواده‌ها یا موارد مشابه آن لغات لازم بوده که در کنار لغت دیگری به آن‌ها اشاره شود.

❖ لیست افعال بی‌قاعده که در انتهای کتاب درسی آمده، تمام افعال بی‌قاعده داخل کتاب درسی را دربرندارد! این لیست در انتهای این کتابچه تکمیل شده و تمام افعال بی‌قاعده کتاب درسی دوازدهم به آن اضافه شده‌اند. ❖ در انتهای این کتابچه، یک فهرست الفبایی (Index) آورده شده است. اگر دانش‌آموز نیاز داشته باشد که لغت به‌خصوصی را در کتابچه پیدا کند ولی نداند که آن لغت مربوط به کدام بخش از کتاب درسی است، می‌تواند از آدرسی که در این قسمت برای آن لغت ارائه شده استفاده کند.

❖ در معادل‌های فارسی ارائه شده برای واژگان، برای تفکیک معادل‌هایی که در یک حوزه معنایی هستند از ویرگول (،) و برای جدا کردن معانی یا کاربردهای مختلف یک لغت از نقطه ویرگول (؛) استفاده شده است. این تقسیم‌بندی می‌تواند نظم ذهنی خوبی را برای یادگیری واژگان به دانش‌آموز بدهد.

❖ در انتخاب معادل‌های فارسی برای واژگان، خطاهای رایج دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و معادل‌هایی ارائه شده که از این خطاها جلوگیری شود. به‌طور کلی، تمام معانی ارائه شده در این کتابچه هدفمند هستند و یادگیری دقیق آن‌ها، می‌تواند در پاسخ‌گویی به سؤالات چالشی کمک زیادی به دانش‌آموز کند.

موفق و پیروز باشید

ارشاد عظیمی

CONTENTS

6

7-11
Vocabulary

LESSON ONE

14

PART 1
Introduction
and Get Ready

17

PART 2
Conversation

21

PART 3
New Words and
Expressions

23

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

28

PART 5
Vocabulary
Development

30

PART 6
Grammar

36

PART 7
Listening
and Speaking

40

PART 8
Writing

44

PART 9
What
You Learned

48

PART 10
Workbook

LESSON TWO

54

PART 1
Introduction
and Get Ready

56

PART 2
Conversation

59

PART 3
New Words and
Expressions

62

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

67

PART 5
Vocabulary
Development

70

PART 6
Grammar

73

PART 7
Listening
and Speaking

77

PART 8
Writing

84

PART 9
What
You Learned

86

PART 10
Workbook

LESSON THREE

94

PART 1
Introduction
and Get Ready

97

PART 2
Conversation

99

PART 3
New Words and
Expressions

101

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

106

PART 5
Vocabulary
Development

111

PART 6
Grammar

114

PART 7
Listening
and Speaking

117

PART 8
Writing

122

PART 9
What
You Learned

124

PART 10
Workbook

129

Irregular
Verbs

135

Index

راهنمای تلفظ

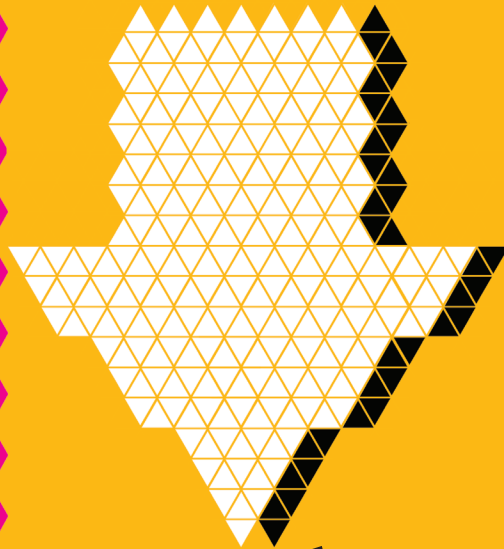
| Phonetic Symbol | Pronunciation | Example |
|-----------------|---------------------------------------|-------------|
| e | اِ | bed |
| æ | آ | cat |
| ʌ | آ کوتاه | cup |
| ʊ | او کوتاه | put |
| ə | اِ کوتاه | again |
| i: | ای کشیده | need |
| ɜ: | اِ کشیده | learn |
| ɔ: | اُ کشیده | door |
| u: | او کشیده | food |
| ɑ: | آ کشیده | car |
| ɪə | ای ی | near |
| eɪ | ای | face |
| ɔɪ | اُی | toy |
| aɪ | آی | kind |
| oʊ | اُو | alone |
| aʊ | آو | house |
| θ | ث دندان‌ی | think |
| ð | ذ دندان‌ی | mother |
| ʃ | ش | shoe |
| ʒ | ژ | television |
| tʃ | چ | watch |
| dʒ | ج | enjoy |
| ŋ | نگ | king |
| j | ی | yes |
| ˈ | استرس (بخشی که با فشار خوانده می‌شود) | adˈvice |
| ˌ | استرس ثانویه (ضعیف‌تر از اصلی) | ˌeduˈcation |

علامت اختصاری

| | | | | | |
|-------|------------------|--------------------|---------|--------------|-----------|
| adj. | adjective | صفت | phr. v. | phrasal verb | فعل مرکب |
| adv. | adverb | قید | pl. | plural | جمع |
| AmE | American English | انگلیسی آمریکایی | prep. | preposition | حرف اضافه |
| BrE | British English | انگلیسی بریتانیایی | pron. | pronoun | ضمیر |
| conj. | conjunction | حرف ربط | sb | somebody | کسی |
| det. | determiner | معرف | sth | something | چیزی |
| n. | noun | اسم | v. | verb | فعل |

7-11

VOCABULARY



واژگان
هفتم تا یازدهم

که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند

بسیاری از واژگان هفتم تا یازدهم در کتاب درسی دوازدهم هم تکرار شده‌اند و در بخش مربوط به خود در این کتابچه آورده شده‌اند. بعضی دیگر از واژگان سال‌های قبل، هم خانوادهٔ واژگان دوازدهم هستند و در کنار لغت مرتبط با خود نوشته شده‌اند. واژگانی که در این بخش می‌بینیم واژگانی هستند که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند. با توجه به این که واژگان سال‌های قبل پیش‌نیاز دوازدهم محسوب می‌شوند، ممکن است در صورت سؤالات یا متن‌های امتحان نهایی به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. با خواندن واژگان این بخش و بقیهٔ بخش‌های این کتابچه، تمام واژگان سال‌های هفتم تا دوازدهم را یاد می‌گیریم.

Aa

| | |
|--------------------------------------|------------------------------|
| absolutely / adv. | قطعا؛ کاملاً |
| ache / n. | درد |
| across / prep. adv. | از این طرف به آن طرف؛ آن طرف |
| affirmative / adj. n. | مثبت |
| afraid / adj. | ترسیده |
| against / prep. | در برابر، بر علیه |
| agency / n. | نمایندگی، آژانس |
| agent / n. | نماینده، کارگزار |
| ahead / adv. | جلو؛ پیش رو |
| alike / adj. adv. | شبهه به هم |
| almost / adv. | تقریباً |
| amazed / adj. | شگفت‌زده |
| amazing / adj. | شگفت‌انگیز |
| among / prep. | در بین، در میان |
| amused / adj. | سرگرم |
| ankle / n. | مچ پا، قوزک |
| anniversary / n. | سالگرد، سالروز |
| anthem / n. | سرود |
| appendix / n. | ضمیمه؛ آبان‌دیس |
| area / n. | منطقه، ناحیه |
| arrow / n. | (علامت) فلش، پیکان |
| artifact / n. (BrE: artefact) | شیء دست‌ساز |
| ashamed / adj. | شرمنده، خجالت‌زده |
| association / n. | انجمن، کانون |
| attach / v. | ضمیمه کردن، متصل کردن |

attention / n. توجه

attitude / n. نگرش، طرز فکر؛ برخورد، رفتار

Ba

| | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| B.A. / n. (BrE: BA) | (مدرک) کارشناسی، لیسانس |
| bag / n. | کیسه؛ کیف |
| baggage / n. (uncountable) | چمدان، بار |
| baggage reclaim / n. | (فرودگاه) محل دریافت بار |
| bake / v. | (نان، کیک و ...) پختن |
| baker / n. | نانوا |
| balanced / adj. | متعادل، متوازن |
| bean / n. | لوبیا؛ دانه (گیاهی) |
| beautiful / adj. | زیبا |
| beauty / n. | زیبایی |
| behave / v. (+ toward) | رفتار کردن |
| behavior / n. (BrE: behaviour) | رفتار |
| besides / prep. adv. | علاوه بر؛ علاوه بر این |
| blend / n. v. | مخلوط، آمیزه؛ مخلوط کردن، قاطی کردن |
| board / n. v. | تخته؛ (هواپیما، کشتی و ...) سوار شدن |
| boat / n. | قایق |
| book / v. | رزرو کردن |
| booklet / n. | کتابچه، دفترچه، جزوه |
| bottle / n. | بطری، شیشه |
| bow / v. | تعظیم کردن، خم شدن |
| brave / adj. | شجاع |
| bravely / adv. | شجاعانه |
| bravery / n. | شجاعت |

LESSON



**Sense of
Appreciation**

And of Allah's **Signs** of Power is the **creation** of the **heavens** and the earth and **also** the **variation** of the languages and the color of you people; **verily**, in all these are Signs for men of **knowledge**.

و از نشانه‌های قدرت خداوند، آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تنوع زبان‌ها و رنگ شما انسان‌هاست؛ به تحقیق، در همه این‌ها نشانه‌هایی برای اهل دانش وجود دارد.

| | |
|--|---|
| sign /sain/ n. | نشانه، علامت؛ تابلو |
| ↳ sign language /'sain ,læŋgwɪdʒ/ n. | زبان اشاره |
| creation /kri'etʃən/ n. | خلق، آفرینش؛ ایجاد |
| ↳ create /kri'etʃ/ v. | خلق کردن، آفریدن؛ ایجاد کردن، به وجود آوردن |
| ↳ creative /kri'etɪv/ adj. | خلاق؛ خلاقانه |
| heaven /'hevən/ n. | بهشت؛ (ادبی) آسمان |
| also /'ɑ:lsoʊ/ adv. | همچنین، هم، نیز |
| variation /,veri'etʃən/ n. | تنوع، گوناگونی |
| verily /'vertli/ adv. | (قدیمی) به راستی، به درستی، به تحقیق |
| knowledge /'nɑ:lɪdʒ/ n. (uncountable) | دانش |
| <p>لمنهٔ uncountable که جلوی این کلمه نوشته شده به معنی «غیرقابل شمارش» است. در این کتابچه، اسامی غیرقابل شمارش به این شکل مشخص شده‌اند. یاد گرفتن این کلمات از این لحاظ اهمیت دارد که باید بدانیم که این اسامی هیچ‌وقت جمع بسته نمی‌شوند یا a/an نمی‌گیرند. اگر هم بخواهیم برای آن‌ها فعل یا ضمیر بیاوریم، باید از فعل یا ضمیر مفرد استفاده کنیم، نه جمع. برای جواب دادن به بعضی از سؤالات، شناختن اسامی غیرقابل شمارش لازم است.</p> | |

Sense of Appreciation

حس قدردانی

| | |
|---|---------------------------------|
| sense /sens/ n. | حس، احساس |
| appreciation /ə,pri:ʃi'etʃən/ n. | قدردانی، سپاسگزاری |
| ↳ appreciate /ə'pri:ʃi:et/ v. | قدردان بودن، قدر چیزی را دانستن |

Interesting Facts

حقایق جالب

| | |
|--|-----------------------------------|
| interesting /'ɪntrəstɪŋ/ adj. | جالب |
| ↳ interested /'ɪntrəstɪd/ adj. (+ in) | علاقه‌مند |
| ↳ interest /'ɪntrəst/ n. v. | علاقه؛ سود، منفعت؛ علاقه‌مند کردن |

کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می‌آورد. **Helping others lowers blood pressure.**

| | |
|--------------------------------------|------------------------|
| lower /'ləʊə/ v. | پایین آوردن، کاهش دادن |
| blood /blʌd/ n. (uncountable) | خون |

pressure /'preʃər/ n.

فشار

↳ **press** /pres/ v.

فشار دادن؛ اتو کردن

↳ زیرمجموعه‌هایی که با فلش مشخص شده‌اند به اندازه بقیه لغات مهم هستند. این کلمات مواردی هستند که در کتاب‌های درسی سال‌های قبل یا در بخش‌های دیگری از کتاب درسی دوازدهم به کار رفته‌اند. برای یادگیری بهتر، هم خانواده‌ها یا موارد مشابه در کنار هم آورده شده‌اند. معانی مختلفی که برای هر لغت ارائه شده هم در بخش‌های مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند. به عنوان مثال، همین فعل **press** که به عنوان زیرمجموعه اسم **pressure** در این قسمت آورده شده، در کتاب‌های درسی سال‌های قبل، هم به معنی «فشار دادن» به کار رفته و هم به معنی «اتو کردن». بنابراین تمام این معانی داخل کتاب محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را بدانیم.

Kindness boosts energy and strength in elderly people.

مهربانی، انرژی و قدرت را در افراد سالمند تقویت می‌کند.

kindness /'kaɪndnəs/ n.

مهربانی

↳ **kind** /kaɪnd/ adj. n.

مهربان؛ نوع، گونه

↳ پسوند **-ness** یک پسوند اسم‌ساز است که در این جا صفت **kind** (مهربان) را به اسم **kindness** (مهربانی) تبدیل کرده است.

boost /bu:st/ v.

تقویت کردن

strength /streŋθ/ n.

قدرت، توان

↳ **strong** /strɔ:ŋ/ adj.

قدرتمند، قوی

elderly /'eldərlɪ/ adj.

پیر، مسن، سالمند

↳ پسوند **-ly** معمولاً قیدساز است، ولی نباید تصور کنیم که هر کلمه‌ای که **-ly** دارد قید است. کلمه **elderly** با این‌که **-ly** دارد، یک صفت است، نه قید.

Teenagers who help others are more successful in life.

نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند، در زندگی موفق‌تر هستند.

teenager /'ti:neɪdʒər/ n.

نوجوان

teenagers who ...

نوجوانانی که ...

↳ کلمات **wh** را قبلاً به عنوان کلمه پرسشی دیده‌ایم؛ مثلاً همین **who** را به معنی «چه کسی» می‌شناسیم. ولی بعضی از **wh**ها می‌توانند به عنوان موصول و به معنی «که» هم در جمله استفاده شوند. با این نقش آن‌ها در گرامر درس دوم آشنا خواهیم شد.

successful /sək'sesfəl/ adj.

موفق؛ موفقیت‌آمیز

↳ **success** /sək'ses/ n.

موفقیت

↳ **succeed** /sək'si:d/ v.

موفق شدن

Listening to the advice of older people improves our lives.

گوش کردن به توصیه افراد بزرگ‌تر زندگی ما را بهبود می‌بخشد.

advice /əd'vaɪs/ n. (uncountable)

توصیه، نصیحت

↳ **advise** /əd'vaɪz/ v.

توصیه کردن، نصیحت کردن

improve /ɪm'pru:v/ v.

بهبود بخشیدن/ یافتن، بهتر کردن/ شدن

lives /laɪvz/ n. pl.

زندگی‌ها

این کلمه حالت جمع **life** است. در سال‌های قبل خواندیم که اکثر اسم‌هایی که حرف آخرشان **f** یا **fe** است، موقع جمع بسته شدن، **f** یا **fe** تبدیل به **ves** می‌شود؛ مثل **wolf** (گرگ) یا **knife** (چاقو) که جمعشان می‌شود **wolves** و **knives**. البته این قاعده استثناهایی هم دارد که مهم‌ترین آن‌ها دو کلمه **belief** (اعتقاد، عقیده، باور) و **roof** (پشت بام، سقف) هستند که جمع آن‌ها **beliefs** و **roofs** می‌شود و **ves** نمی‌گیرند.

حالت‌های مختلف و هم‌خانواده‌های این کلمه که در کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند در ادامه آورده شده است:

live /lɪv/ v. /laɪv/ adj.

(فعل با تلفظ لیو) زندگی کردن؛ (صفت با تلفظ لایو) زنده

life /laɪf/ n.

(اسم مفرد) زندگی

(فعل با **s** سوم شخص مفرد با تلفظ لیوز) زندگی کردن؛ (جمع اسم **life** با تلفظ لایوز) زندگی‌ها

(شکل **living** فعل **live** برای استمراری یا مصدر) زندگی کردن؛ (اسم) زندگی؛ (صفت) زنده

alive /ə'laɪv/ adj.

(صفت با تلفظ لایو) زنده

Taking care of grandchildren increases brain function and memory.

مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می‌دهد.

take care of /teɪk keɪ əv/ phr. v.

مراقبت کردن از

grandchild /'græntʃaɪld/ n. (pl: grandchildren)

نوه

increase /'ɪnkriːs/ /'ɪn'kriːs/ v.

افزایش؛ افزایش دادن / یافتن

↳ **decrease** /'diːkriːs/ /di'kriːs/ v.

کاهش؛ کاهش دادن / یافتن

brain /breɪn/ n.

مغز

function /'fʌŋkʃən/ n.

عملکرد، کارکرد، نقش

memory /'meməri/ n.

حافظه؛ خاطره

Get Ready

آماده شوید

عکس‌ها و جملات زیر را کنار هم بگذارید. Match the pictures with the following sentences.

match /mætʃ/ v. n.

جفت کردن، کنار هم گذاشتن؛ مسابقه؛ کبریت

the following

زیر، موارد زیر، آن چه در ادامه آمده

↳ **follow** /'fɒləʊ/ v.

دنبال کردن، تعقیب کردن؛ پیروی کردن از

Children should **respect** their parents.

بچه‌ها باید به والدین‌شان احترام بگذارند.

respect /rɪ'spekt/ n. v.

احترام؛ احترام گذاشتن به

↳ **respectful** /rɪ'spektfəl/ adj.

محترمانه، مؤدبانه

دقت داشته باشیم که کلمه **respect** وقتی که فعل است «احترام گذاشتن به» ترجمه می‌شود. یعنی مفهوم حرف اضافه «به» را در خود دارد و نباید بعد از آن حرف اضافه بیاوریم. ولی اگر این کلمه اسم باشد، معمولاً با حرف اضافه **for** همراه می‌شود:

respect sb (NOT respect ~~to~~ for sb) = have respect **for** sb

احترام گذاشتن به کسی

We **have to** take care of elderly people.

ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.

have to / has to / had to

مجبور بودن، باید

Family **members** should listen to **each other**.

اعضای خانواده باید به یکدیگر گوش کنند.

member /'membə/ n.

عضو

each other /iːtʃ 'ʌðər/ pron.

همدیگر، یکدیگر

We can help many people by **donating** what they need.

ما می‌توانیم به افراد زیادی از طریق اهدا کردن آن چه به آن نیاز دارند، کمک کنیم.

donate /'doʊnət/ v.

(مخصوصاً خیریه و ...) اهدا کردن، بخشیدن

Why are these people **famous**?

چرا این افراد مشهور هستند؟

famous /'feɪməs/ adj.

مشهور، معروف

How do you feel when you read about these people?

وقتی که در مورد این افراد می‌خوانید چه احساسی دارید؟

Write **appropriate** nouns after the following adjectives. Then check the **positive** adjectives.

بعد از صفت‌های زیر، اسم‌های مناسب بنویسید. سپس صفت‌های مثبت را تیک بزنید.

appropriate /ə'prəʊpɪət/ adj.

مناسب

then /ðen/ adv.

سپس؛ پس

check /tʃek/ v. n.

چک کردن، بررسی کردن؛ تیک زدن؛ چک

positive /'pɔ:zətɪv/ adj.

مثبت

↳ **negative** /'negətɪv/ adj.

منفی

a **polite** ... , some **lazy** ... , a **loving** ... , a **cruel** ... , two kind ... , some **careful** ...

یک ... مؤدب، چند ... تنبل، یک ... مهربان، یک ... بی‌رحم، دو ... مهربان، چند ... با دقت

polite /pə'laɪt/ adj.

(شخص) مؤدب؛ (عمل) مؤدبانه

↳ **politely** /pə'laɪtli/ adv.

مؤدبانه

↳ **impolite** /ɪmpə'laɪt/ adj.

(شخص) بی‌ادب؛ (عمل) بی‌ادبانه

lazy /'leɪzi/ adj.

تنبل؛ (وقت) بیکار، توأم با تنبلی

loving /'lʌvɪŋ/ adj.

مهربان، با محبت

↳ **lovingly** /'lʌvɪŋli/ adv.

با مهربانی، عاشقانه

↳ **lovely** /'lʌvli/ adj.

دوست‌داشتنی

cruel /'kru:əl/ adj.

بی‌رحم، ظالم

careful /'keəfəl/ adj.

مراقب، با دقت؛ دقیق

↳ **careless** /'keələs/ adj.

بی‌دقت، بی‌احتیاط

Conversation

PART
2

Pages 19-20

فایل صوتی

Conversation

مکالمه

Sara has been in the Children's **Medical** Center for a week.

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است.

medical /'medɪkəl/ adj.

(مربوط به) پزشکی، درمانی

She has **caught** a **terrible** flu.

او یک آنفولانزای خیلی بد گرفته است.

catch /kætʃ/ v. (caught, caught /kɑ:t/)

گرفتن؛ (بیماری) مبتلا شدن به

terrible /'terəbəl/ adj.

افتضاح، خیلی بد

flu /flu:/ n. (influenza)

آنفولانزا

۱۷



انگلیسی ۳

کتاب

دکتر به او گفت که آن جا بماند تا بهتر شود. The doctor told her to stay there to get better.

عکسی از یک پیرمرد روی دیوار است. There is a photograph of an old man on the wall.

While the nurse is **taking her temperature**, they start talking.

در حالی که پرستار تب او را اندازه می‌گیرد، آن‌ها شروع می‌کنند به صحبت کردن.

while /waɪl/ conj. در حالی که، وقتی که

temperature /'tempərətʃər/ n. دما؛ تب

👉 **take sb's temperature** تب کسی را اندازه گرفتن

👉 **have a temperature/fever** تب داشتن

Sara: Excuse me, who is that man in the picture? سارا: ببخشید، آن مرد در عکس کیست؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you **ever** heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: اوه، او را نمی‌شناسی؟ تا به حال در مورد دکتر محمد قریب شنیده‌ای؟

ever /'evər/ adv. تا به حال، تاکنون

Sara: I **guess** I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: حدس می‌زنم که فقط اسم او را در کتاب انگلیسی‌ام دیده باشم، ولی در موردش مطمئن نیستم.

guess /ges/ n. v. حدس؛ حدس زدن

Nurse: Dr. Gharib was a famous **physician**. پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.

physician /fɪ'zɪʃən/ n. پزشک، دکتر

Sara: Oh, can you tell me a little about his life?

سارا: اوه، می‌توانی کمی در مورد زندگی‌اش به من بگویی؟

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد.

After **receiving** his **diploma**, he went **abroad** to study **medicine**.

بعد از دریافت دیپلمش، به خارج از کشور رفت تا پزشکی بخواند.

receive /rɪ'si:v/ v. دریافت کردن

diploma /dɪ'plomə/ n. مدرک، دیپلم

abroad /ə'brɑ:d/ adv. (در، به) خارج، خارج از کشور

👉 حواسمان باشد که هیچ‌وقت قبل از **abroad** حرف اضافه **in** یا **to** نیاوریم. این کلمه یک قید است که مفهوم این حروف اضافه را در خود دارد:

go abroad (NOT go **to** abroad) به خارج رفتن

live abroad (NOT live **in** abroad) در خارج زندگی کردن

medicine /'medɪsɪn/ n. پزشکی؛ دارو

In 1316 he **became** a physician and then came back to his **hometown**.

در سال ۱۳۱۶ پزشکی شد و سپس به میهنش بازگشت.

become /bi'kʌm/ v. (became, become)

شدن

hometown /'həʊmlænd/ n.

وطن، میهن

In 1347 this center was **founded** by Dr. Gharib and one of his **close** friends.

در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد.

found /faʊnd/ v.

تأسیس کردن

کلمه **found** هم می‌تواند گذشته و اسم مفعول فعل **find** به معنی «پیدا کردن» باشد و هم می‌تواند خودش یک فعل حال به معنی «تأسیس کردن» باشد که در این حالت، باقاعده است و همان‌طور که در این جمله کتاب درسی می‌بینیم، برای تبدیل آن به گذشته یا اسم مفعول باید به آن **ed** اضافه کنیم.

close /kloʊs/ adj. /kloʊz/ v.

نزدیک، صمیمی؛ بستن

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعاً؟ این را نمی‌دانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also a **generous** man. پرستار: دکتر قریب یک مرد سخاوتمند هم بود.

generous /'dʒenərəs/ adj.

سخاوتمند، باگذشت

He **spared no pains** to **cure** sick children.

او از هیچ تلاشی برای درمان کردن کودکان بیمار دریغ نمی‌کرد.

spare no pains

از هیچ تلاشی دریغ نکردن

↳ **pain** /peɪn/ n.

درد؛ رنج

↳ **painful** /'peɪnfəl/ adj.

دردناک؛ آزاردهنده

cure /kjʊr/ n. v.

درمان؛ دارو؛ درمان کردن

sick /sɪk/ adj.

بیمار، مریض

He was very **friendly** and **helpful** to poor families.

او خیلی مهربان و اهل کمک به خانواده‌های فقیر بود.

friendly /'frendli/ adj.

(شخص) مهربان، بامحبت؛ (رفتار) دوستانه، صمیمانه

کلمه **friendly** با این‌که آخرش **-ly** دارد، صفت است، نه قید؛ مثل کلمات **elderly** و **lovely** که در صفحات قبل خواندیم.

helpful /'helpfəl/ adj.

مفید، سودمند؛ کمک‌کننده، اهل کمک

Not surprisingly, he was **regarded** as a **dedicated** physician.

تعجبی ندارد که او به عنوان یک پزشک متعهد به شمار می‌رفت.

not surprisingly

تعجبی ندارد که، عجیب نیست که

↳ **surprisingly** /sə'rpraɪznɪli/ adv.

به‌طور تعجب‌آوری، با کمال تعجب

↳ **surprising** /sə'rpraɪzn/ adj.

تعجب‌آور

↳ **surprised** /sə'rpraɪzd/ adj.

متعجب

↳ **surprise** /sə'rpraɪz/ n. v.

تعجب؛ متعجب کردن

regard /rɪ'gɑ:rd/ v.

به شمار آوردن، تلقی کردن

dedicated /ˈdedɪkeɪtɪd/ *adj.*

متعهد، از خود گذشته؛ مختص، اختصاصی

↳ **dedicate** /ˈdedɪkeɪt/ *v.*

وقف کردن؛ اختصاص دادن

Sara: It's a **pity**! I didn't know **such** a great man.

سارا: چقدر حیف! چنین آدم بزرگی را نمی شناختم.

pity /ˈpɪti/ *n.*

مایهٔ تأسف، حیف

such /sʌtʃ/ *det. pron.*

چنین، چنان

↳ **such as**

از قبیل، مانند، مثل

Nurse: He was known as a **distinguished** university professor, too.

پرستار: او به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته هم شناخته می شد.

distinguished /dɪˈstɪŋɡwɪʃt/ *adj.*

متمایز، برجسته

↳ **distinguish** /dɪˈstɪŋɡwɪʃ/ *v.*

تمایز قائل شدن، تشخیص دادن

The first Persian textbook on children's **diseases** was written by him.

اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شد.

disease /dɪˈzi:z/ *n.*

بیماری، مریضی

He **taught** medicine to thousands of students. او به هزاران دانشجو، پزشکی درس داد.

taught /tɑ:t/ *v.*

گذشته و اسم مفعول فعل teach (درس دادن، یاد دادن)

↳ **thought** /θɔ:t/ *v.*

گذشته و اسم مفعول فعل think (فکر کردن)

Sara: Oh, what a great man he was!

سارا: اوه، او چه مرد بزرگی بوده است!

Nurse: **By the way**, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: راستی، شاید جالب باشد بدانی که پزشک تو یکی از دانشجویهای دکتر قریب بوده است!

by the way

راستی

Sara: Really?! That's interesting!

سارا: واقعاً؟! جالب است!

Answer the following questions **orally**.

به سؤالات زیر به طور شفاهی پاسخ دهید.

orally /ˈɔ:ri/ *adv.*

به طور شفاهی

When was Dr. Gharib born?

دکتر قریب کی متولد شد؟

Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?

چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان به شمار می رفت؟

Have you seen Dr. Gharib **TV series**?

سریال دکتر قریب را دیده اید؟

series /ˈsɪrɪ:z/ *n.*

مجموعه، سری

↳ **TV series**

مجموعهٔ تلویزیونی، سریال

↳ کلمهٔ series در ظاهر جمع به نظر می رسد، ولی این کلمه خودش هم مفرد است و هم جمع. یعنی شکل مفرد و جمع این کلمه یکی است.

فایل صوتی

New Words and Expressions

لغات و اصطلاحات جدید

expression /ɪk'spreʃən/ n.

اصطلاح، عبارت؛ بیان، ابراز

↳ **express** /ɪk'spres/ v. adj.

بیان کردن، ابراز کردن؛ (قطار، پست و ...) سریع، سریع‌السیار

Look, read and practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.

Hamid sits on the **sofa** and watches TV **all the time**.

حمید همیشه روی مبل می‌نشیند و تلویزیون تماشا می‌کند.

sofa /'soʊfə/ n.

مبل، کاناپه

all the time

همیشه، دائماً

My grandfather **feeds** the **pigeons** in the park every morning.

پدربزرگم هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا می‌دهد.

feed /fi:d/ v. (fed, fed)

غذا دادن به

pigeon /'pi:dʒən/ n.

کبوتر

Dad really **shouted at** me when I didn't do my **homework**.

پدترم واقعاً سر من داد زد وقتی که تکالیفم را انجام ندادم.

shout /ʃaʊt/ v.

فریاد زدن، داد زدن

↳ **shout at sb**

(از روی عصبانیت) سر کسی داد زدن

↳ **shout to sb**

(برای رساندن صدا) داد زدن و چیزی را به کسی گفتن

homework /'həʊmwɜ:k/ n. (uncountable)

تکالیف، تکالیف

We have to speak louder, because my grandmother is **hard of hearing**.

ما باید بلندتر صحبت کنیم، چون مادربزرگم کم‌شنوا است.

hard of hearing /,hɑ:d əv 'hɪərɪŋ/ adj.

کم‌شنوا، دارای گوش سنگین

Ferdowsi **was born** in a village near Toos. فردوسی در روستایی در نزدیکی توس به دنیا آمد.**be born** /bi: bɔ:rn/ v.

به دنیا آمدن، متولد شدن

↳ **be born into**

به دنیا آمدن در (نوع خانواده؛ ثروتمند، پرجمعیت و ...)

My uncle went to his son and **hugged** him. عمویم به طرف پسرش رفت و او را بغل کرد.**hug** /hʌg/ n. v.

بغل، آغوش؛ بغل کردن، در آغوش گرفتن

My little sister sits on my mother's **lap** all the time.

خواهر کوچکم همیشه در بغل مادرم می‌نشیند.

lap /læp/ n.

در حالت نشسته) بغل، آغوش، روی پا

لپ دو کلمه hug و lap در فارسی می‌توانند «بغل، آغوش» معنی شوند، ولی این دو کلمه کاملاً با هم متفاوت هستند. اگر مثال‌های این دو را در کتاب درسی با هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که کلمه hug به حالت «بغل کردن و در آغوش گرفتن» اشاره دارد، ولی کلمه lap در واقع «قسمت روی ران پا در حالت نشسته و به عنوان تکیه‌گاه» است؛ مثلاً وقتی که بچه را در بغل خود می‌نشانیم یا سینی غذا را در حالت نشسته روی پای خود می‌گذاریم. کلمه laptop هم از همین معنی lap گرفته شده و در واقع وسیله‌ای است که می‌توانیم آن را در حالت نشسته، روی پای خود بگذاریم و با آن کار کنیم.

Read and practice.

بخوانید و تمرین کنید.

burst into tears: to cry suddenly

زدن زیر گریه؛ ناگهان گریه کردن

Aida burst into tears when she saw her **score**.

آیدا زد زیر گریه وقتی که نمره‌اش را دید.

burst into tears/laughter...

زدن زیر گریه/خنده...

↳ **burst** /bɜːrst/ v. (burst, burst)

منفجر کردن/ شدن، ترکاندن، ترکیدن

↳ **tear** /tɪər/ n.

اشک

suddenly /'sʌdnli/ adv.

ناگهان، به‌طور ناگهانی

↳ **sudden** /'sʌdn/ adj.

ناگهانی

Aida burst into tears ...

آیدا زد زیر گریه ...

لپ شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل burst یکسان است. در این جمله، کلمه burst به عنوان یک فعل گذشته به کار رفته است. حتی اگر بقیه جمله، گذشته بودن این فعل را نشان نمی‌داد، باز هم می‌شد به این موضوع پی برد. با توجه به این‌که فاعل این جمله (آیدا) سوم شخص مفرد است، اگر زمان burst این جمله حال بود، باید S می‌گرفت و به شکل bursts نوشته می‌شد. تشخیص حال یا گذشته بودن جمله برای جواب دادن به بعضی از سوالات گرامر لازم است.

score /skɔːr/ n.

نمره؛ امتیاز

repeatedly: many times

مکرراً؛ دفعات زیادی

I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.

من مکرراً به محسن گفته‌ام که با معلمانش مؤدبانه صحبت کند.

repeatedly /rɪ'pi:tɪdli/ adv.

مکرراً، به دفعات

↳ **repeated** /rɪ'pi:tɪd/ adj.

مکرر، تکراری

forgive: to stop being angry with someone

بخشیدن؛ عصبانی بودن از دست کسی را متوقف کردن

Mom forgave me for breaking the **vase**.

مامان من را به خاطر شکستن گلدان بخشید.

forgive /fɔːr'ɡɪv/ v. (forgave, forgiven)

بخشیدن، عفو کردن

angry /'æŋgrɪ/ adj.

عصبانی، خشمگین

↳ **angry with/at sb**

عصبانی از دست کسی

↳ **angry about/at sth**

عصبانی بابت چیزی

vase /veɪs, veɪz, vɑːz/ n.

گلدان

calmly: in a **quiet** way

He always speaks slowly and calmly.

با خونسردی: به شکلی آرام

او همیشه آهسته و با خونسردی صحبت می‌کند.

calmly /ka:mlɪ, ka:lmli/ **adv.**

با آرامش، با خونسردی

👉 **calm** /ka:m, ka:lm/ **adj.**

آرام، خونسرد

quiet /'kwaɪət/ **adj.**

آرام، ساکت

👉 حواسمان باشد که معادل فارسی کلمات، ما را به اشتباه نیندازد. برای هر سه کلمه **calm**، **quiet** و **slow** می‌توانیم از معادل فارسی «آرام» استفاده کنیم، ولی این سه کلمه با هم تفاوت دارند. کلمه **calm** به معنی «آرام، خونسرد»، کلمه **quiet** به معنی «آرام، ساکت» و کلمه **slow** به معنی «آرام، آهسته» است.

diary: a book in which you **record** your **thoughts** or **feelings** or what has **happened** every day

دفتر خاطرات: دفتری که در آن افکار یا احساسات خود با آنچه که هر روز اتفاق افتاده را یادداشت می‌کنید
من به مدت دوازده سال خاطرات خود را نوشته‌ام. I have **kept a diary** for twelve years.

diary /'daɪəri/ **n.**

دفتر خاطرات؛ دفتر سررسید

👉 **keep a diary**

خاطرات خود را نوشتن

👉 کلمه **diary** به «دفتر خاطرات» یا «خاطرات مکتوب» اشاره دارد. برای صحبت در مورد «خاطراتِ در ذهن» از کلمه **memory** استفاده می‌کنیم.

record /'rekərd/ **n.** /rɪ'kɔ:rd/ **v.**

ثبت، ضبط، یادداشت؛ ثبت کردن، ضبط کردن، یادداشت کردن

thought /θɔ:t/ **n.**

فکر

👉 کلمه **thought** در این جا به عنوان اسم استفاده شده است. علاوه بر این، این کلمه می‌تواند گذشته و اسم مفعول فعل **think** (فکر کردن) هم باشد.

feeling /'fi:ltɪŋ/ **n.**

احساس، احساسات

👉 **feel** /fi:l/ **v.** (felt, felt)

احساس کردن

happen /'hæpən/ **v.**

اتفاق افتادن

Reading and Reading Comprehension

PART
4

Pages 24-26

فایل صوتی

Respect Your Parents

به والدین خود احترام بگذارید

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house.

در یک صبح بهاری، پیرزنی در خانه‌اش روی مبل نشسته بود.

Her young son was reading a newspaper.

پسر جوانش داشت روزنامه می‌خواند.

Suddenly a pigeon sat on the window.

ناگهان، یک کبوتر روی پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, "What is this?"

مادر به آرامی از پسرش پرسید: «این چیست؟»